

167-218

177-218

AIMS TRIBUNAL

218
دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحدہ

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 167

Date of filing: 13. Mar 87

** AWARD - Type of Award Interlocutory
- Date of Award 10. Dec 86
_____ pages in English 69 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
INTERLOCUTORY AWARD

Case No. 167

Chamber Three

پرونده شماره ۱۶۷

شعبه سه

قراردادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
DATE	13 MAR 1987 ۱۳۶۵ / ۱۲ / ۲۲
NO.	167

English version
Filed on 10 Dec 1986
نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۵
ثبت شده است.

آنا کاندآ - ایران، اینک،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران، و

شرکت ملی صنایع مس ایران،

خواندگان.

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

قراردادی

حاضران :

آقای ج. پی. کوی
نماینده آناکاندا - ایران اینک.

از جانب خواهان:

آقای پی. ج. برافی
وکیل و نماینده آناکاندا - ایران اینک.

آقای سی. تورم
آقای ا. کریسل
وکلاي خواهان

از جانب خوانندگان : دکتر جعفر نیاکی
از طرف نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای خسرو طبسی
مشاور حقوقی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای سهراب ربیعی
دستیار مشاور حقوقی

دکتر مهدی کرمانی
مشاور فنی شرکت ملی صنایع مس ایران

آقای بهروز امیر معینی
آقای خسرو برادری
مشاوران حقوقی شرکت ملی صنایع مس ایران

آقای قادر نبوی علمداری
آقای حسن شیرمحمدی
نمایندگان شرکت ملی صنایع مس ایران

سایر حاضران: آقای جان کروک
نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا

آقای مایکل گلانز
دستیار نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا

فهرست مندرجات

<u>پاراگرافها</u>	
۱	اول - مقدمه
۲ - ۹	دوم - جریان رسیدگی
۱۰ - ۱۳	سوم - صلاحیت
	چهارم - ادعا
۱۴ - ۱۶	الف - مقدمه
۱۷	ب - واقعیات و اظهارات
۱۸ - ۲۲	یک (فرا خواندن کارکنان آناکاندا - ایران
۲۳ - ۳۶	دو) فسخ قرارداد کمک های فنی
۳۷ - ۳۸	سه) استدلالات مربوط به مبالغ مدعا به
۳۹	ج - دلایل
۴۰ - ۵۰	یک (فرا خواندن کارکنان آناکاندا - ایران
۵۱ - ۶۳	دو) فسخ قرارداد کمک های فنی
۶۴	سه) شرح جزئیات ادعا
۶۵ - ۷۳	الف) بازپرداخت هزینه ها
۷۴ - ۷۶	ب (حقوق و مزایا
۷۷ - ۷۹	ج (حق الزحمه خدمات فنی
۸۰ - ۸۳	د (هزینه های فسخ
۸۴ - ۸۵	هـ (خسارت فسخ
۸۶	د - نتیجه گیری

پنجم - ادعاهای متقابل

۸۷ - ۹۰

الف - سابقه

ب - مجاز بودن ادعاهای متقابل و صلاحیت رسیدگی بدانها

۹۱ - ۱۰۸

یک) حدود قرارداد

۱۰۹ - ۱۱۱

دو) محدودیت از لحاظ مبلغ ادعای متقابل

۱۱۲ - ۱۱۸

سه) تاخیر در ثبت ادعاهای متقابل

۱۱۹

چهار) اصل ممنوعیت انکار بعد از اقرار (استوپل)

۱۲۰

پنج) سایر ایرادات مطروح

۱۲۱

ج - قانون قابل اعمال

۱۲۲ - ۱۲۴

یک) اظهارات آناکاندا - ایران

۱۲۵ - ۱۲۶

دو) اظهارات صنایع مس

۱۲۷ - ۱۳۳

سه) یافته های دیوان

۱۳۴

د - خلاصه نتیجه گیریها

۱۳۵ - ۱۳۷

ششم - بهره

۱۳۸ - ۱۴۲

الف - بهره مرکب

۱۴۳ - ۱۴۴

ب - حدود قابلیت اعمال ماده ۷-۰۴ قرارداد کمک های فنی

۱۴۵ - ۱۵۰

ج - بهره به موجب ماده ۷-۰۴

۱۵۱

د - بهره غیرقراردادی

۱۵۲

ه - قطعی بودن بهره

۱۵۳

هفتم - کارشناس

۱۵۴	هشتم - هزینه ها
۱۵۵	نهم - رسیدگیهای آتی
۱۵۶	دهم - حکم

اول - مقدمه

۱ - در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۲ (۴ مهرماه ۱۳۵۱) خواهان، آناکاندا - ایران اینک (آناکاندا - ایران) قراردادی تحت عنوان "قرارداد کمک های فنی" ("قرارداد") با شرکت معادن مس سرچشمه کرمان، سلف خوانده، شرکت ملی صنایع مس ایران ("صنایع مس") منعقد ساخت. طبق قرارداد، آناکاندا می بایست در رابطه با فراهم کردن مقدمات تاسیس ساختمان و بهره برداری از یک معدن مس روباز (open cast copper mine) و تاسیسات مربوطه و کوره ذوب (smelter) در منطقه سرچشمه واقع در ایران، کمکهای فنی در اختیار صنایع مس قرار دهد. در ازای اینکار، آناکاندا - ایران حق داشت هزینه های متحمل را بعلاوه حق الزحمه معینی دریافت کند. در جریان رسیدگی حاضر، این مطلب مورد توافق است که قرارداد پیش از خاتمه دوره مقرر فسخ شد. اوضاع و احوال پیرامون قطع مناسبات قراردادی، اساساً مورد اختلاف طرفین نیست. معذک، طرفین درخصوص حدود و قابلیت اعمال برخی از شرایط قرارداد اختلاف نظر داشته، هر کدام مدعی است که طرف دیگر قرارداد را نقض کرده است. موضوعات مطروح نزد دیوان شامل تعیین این مطلب است که آیا طرفین یا یکی از آنها می توانسته منطقیاً فورس ماژور را مستمسک عدم اجرای تعهدات قراردادی قرار دهد یا خیر. موضوع دیگر، تعیین علت فسخ قرارداد است. در رابطه با ادعاهای متقابل معتناهی که در این پرونده مطرح گردیده، دیوان قبلاً تصمیم گرفته که بدواً فقط به موضوعات صلاحیتی و پاره ای موضوعات مقدماتی دیگر رسیدگی کند. بالنتیجه، قرار حاضر به ماهیت ادعاهای متقابل نمی پردازد.

دوم - جریان رسیدگی

۲ - در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آذرماه ۱۳۶۰) آناکاندا - ایران دادخواستی ثبت و مبلغ ۷۶۶۸/۵۰، ۱۹۰، ۱۱ دلار آمریکا بعنوان اصل مبلغ مورد ادعا، به اضافه بهره

مرکب مقرر در قرارداد تا تاریخ حکم و همچنین هزینه های داوری را مطالبه نمود. خواهان از دولت جمهوری اسلامی ایران ("ایران") و صنایع مس ایران، به عنوان خواندگان پرونده نام برد.

۳ - خوانده، صنایع مس در لایحه ای که در اول سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۰ شهریورماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند، ادعاهای متقابلی به مبلغ ۱،۱۴۰،۱۳۲،۸۷۵ دلار آمریکا، به اضافه بهره از ژانویه ۱۹۷۹ تا تاریخ صدور رای، علیه آناکاندا- ایران مطرح ساخت. صنایع مس در لایحه ای که در ۲۲ اوت ۱۹۸۳ (۳۱ مردادماه ۱۳۶۲) ثبت نمود "ماهیت و مبلغ کل ادعا را اصلاح کرد" و آنرا ۲۲۹،۸۶۵،۰۶۵ دلار آمریکا اعلام داشت. بالاخره، صنایع مس در لایحه ای که در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۸۵ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۳) ثبت نمود، ادعای "تهاتری" به مبلغ ۶،۸۱۴،۴۶۳/۰۸ دلار آمریکا بابت مالیات و حق بیمه اجتماعی که حسب ادعا پرداخت نشده، مطرح کرد، به این ترتیب که مآلاً در برابر مبالغ مورد مطالبه آناکاندا- ایران که صنایع مس آنرا بعنوان دین خود می پذیرد، پایاپای گردد.

۴ - در ۲۷ اکتبر ۱۹۸۲ (۵ آبان ماه ۱۳۶۱) خواهان "تقاضای جهت رد" ادعای متقابل خوانده (به صورتی که در آنموقع اعلام شده بود) به دلیل فقد صلاحیت و غیر مجاز بودن آن تسلیم نمود. پس از تبادل لوائح در خصوص این موضوع و همچنین مذاکراتی که در جلسه استماع مقدماتی مورخ ۲۱ مه ۱۹۸۴ (۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) انجام شد، دیوان داوری تصمیم گرفت موضوع صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل را از ماهیت دعوی تفکیک نماید. بنابراین، دیوان طی دستور مورخ ۷ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۷ خردادماه ۱۳۶۳) تاریخی برای استماع بخشی از پرونده تعیین نمود تا ضمن آن اولاً به ادعاهای خواهان، از جمله کلیه موضوعات مربوط به صلاحیت و ماهیت دعوی و ثانیاً به مساله صلاحیت یا عدم صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل صنایع مس، و در صورت احراز

صلاحیت، تعیین حدود آن، رسیدگی کند.

۵ - دیوان طی همان دستور با توجه به اظهارات و استدالات طرفین، بدیشان دستور داد که ضمن ثبت لوایحی در باب صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل، بالاخص نکات زیر را مورد بررسی قرار دهند:

الف - قانون حاکم بر موافقتنامه فنی کدامست؟

ب - آیا مبلغ مورد مطالبه یا مورد حکم بابت ادعا می تواند بنحوی موجب محدود کردن مبلغی گردد که ممکن است بابت ادعاهای متقابل مورد حکم واقع شود؟

ج - به موجب قانون حاکم، چه استثنائاتی - فی المثل بر مبنای عمل عمدی یا تقصیر سنگین - بر محدودیت قراردادی وسایل دادخواهی، از قبیل محدودیت های وسایل دادخواهی مندرج در ماده ۹ موافقتنامه فنی وجود دارد؟

د - آیا دیوان داوری بدلیل آنکه ادعاهای متقابل به موقع تسلیم نشده یا از قرارداد متفاوتی ناشی می شوند و یا بهر دلیل دیگر، فاقد صلاحیت رسیدگی بدانهاست؟

ه - آیا با استناد به اینکه گزارش توجیهی جزئی از موافقتنامه فنی اعلام شده، یا بهر دلیل دیگر، می توان ادعای متقابلی بر مبنای گزارش یاد شده یا با استناد به مطالب مندرج در آن، اقامه کرد؟

جلسه استماع راجع به قسمتی از پرونده مزبور، طبق برنامه تعیین شده در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۵ (۸ مهرماه ۱۳۶۴) برگزار شد و طرفین در جلسه حضور یافته، دلایل خود را شفاها" ارائه نمودند.

۷ - در جلسه مزبور خواندگان در صدد برآمدند مدارکی را که قبلا" در این پرونده ثبت نشده بود، ارائه نمایند. خواندگان مدعی شدند که اسناد مزبور به موضوعاتی که در جلسه استماع مورد بحث است، مربوط می شود. خواهان به ثبت خارج از موعد مدارک توسط

خوانندگان اعتراض نمود. دیوان داورى با توجه به لزوم رعایت تساوى و عدالت نسبت به طرفین، مقرر داشت که در این مرحله از رسیدگی، هیچگونه مدرک جدیدی در خصوص موضوعاتی که در جلسه استماع مورد بحث است، قابل قبول نمی‌باشد.

۸ - معهداء، دیوان داورى طبق رویه خود، اظهاریه مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۶ (۲۸ آبان ماه ۱۳۶۵) آناکاندا- ایران را می پذیرد، زیرا اظهاریه مذکور فقط شامل شرح جزئیات حق الوکاله و مشخصات ادعای بهره خواهانست.

۹ - خوانندگان درخواست کرده اند که دیوان کارشناسی جهت تعیین حدود خسارات ادعائی که بابت آن نامبردگان ادعای متقابل داده‌اند، منصوب نماید. خواهان با این درخواست مخالفت کرده، می گوید که موضوعات پرونده حاضر نیازی به تعیین کارشناس ندارد. دیوان داورى بعداً طی حکم حاضر، این موضوع را بررسی خواهد کرد.

سوم - صلاحیت

۱۰ - دیوان داورى متقاعد شده است که ادعای آناکاندا- ایران در پرونده حاضر در کلیه مواقع ذیربط، متعلق به یک تبعه ایالات متحده طبق مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی بوده است. خواهان ادله و مدارکی از جمله گواهی حسن شهرت، نسخ اظهاریه های نیابت سهام صادره در طول دوره ذیربط و سوگندنامه های مقامات شرکت و حسابداران شرکتهای وابسته ذیربط ارائه نموده که ثابت می کنند آناکاندا- ایران یک شرکت امریکائی است که در کلیه مواقع مربوط در ایالت دله ور دایر بوده و از طریق زنجیره مالکیتی شامل شرکتهای امریکائی آناکاندا اینترنشنال کورپوریشن، آناکاندا کامپنی و اتلانتیک ریچفیلد کامپنی، نهایتاً طبق الزامات بیانیه حل و فصل دعاوی، در مالکیت اتباع ایالات متحده است.

۱۱ - همانطور که خوانندگان نیز تصدیق می کنند، دیوان براین نظر است که صنایع مس، موسسه یا تشکیلاتی است که طبق مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی، تحت کنترل خواننده، ایران قرار دارد. از اینرو، دیوان نسبت به هر دو خواننده نیز صلاحیت دارد.

۱۲ - طرفین موافقت دارند که ادعاهای آناکاندا- ایران از قرارداد (یا موافقتنامه) کمک فنی ناشی می شود. لذا، دیوان متقاعد شده است که ادعاها از قرارداد ناشی شده و بنابراین، به شرح مقرر در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، در حیطه شمول صلاحیت دیوان قرار دارند. بعلاوه، روشن است که ادعاها در دوره مشمول صلاحیت دیوان به وجود آمده است. در واقع، همانطور که در دستور مورخ ۷ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۷ خردادماه ۱۳۶۳) دیوان خاطر نشان گردید، طرفین موافقت دارند که چنانچه الزامات مربوط به تابعیت و مالکیت مستمر طبق بیانیه حل و فصل دعاوی تحقق یافته باشد، دیوان نسبت به ادعاهای آناکاندا- ایران صلاحیت رسیدگی دارد.

۱۳ - موضوعات صلاحیتی و سایر موضوعات مربوط به ادعاهای متقابل، بعداً در این حکم مورد بحث قرار خواهد گرفت.

چهارم - ادعاها

الف - مقدمه

۱۴ - در ۷ مارس ۱۹۷۱ (۱۶ اسفندماه ۱۳۴۹) پس از مذاکرات مفصل، نمایندگان آناکاندا- ایران و دولت شاهنشاهی ایران سندی تحت عنوان "یادداشت حاوی اصولی که باید مبنای موافقتنامه های قطعی قرار گیرند" ("یادداشت اصول") به منظور تهیه مقدمات ایجاد یک معدن مس در ایران که به معدن مس سرچشمه مشهور است، امضاء کردند.

یادداشت اصول، که در آن صریحا" پیش بینی شده بود که در موقع مقتضی "موافقتنامه های قطعی" منعقد خواهد شد، مشخصا" مقرر می داشت که طرفین نهائی قرارداد عبارت خواهند بود از آناکاندا- ایران و یک شرکت سهامی ایرانی که در آن موقع هنوز تاسیس نشده بود.

۱۵ - قرارداد نهائی، یعنی قرارداد کمک های فنی در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۲ (۴ مهرماه ۱۳۴۱) توسط آناکاندا- ایران و شرکت معادن مس سرچشمه کرمان که طرفین پرونده حاضر متفقا" قبول دارند که سلف شرکت ملی صنایع مس ایران بوده، امضاء شد. همراه با قرارداد کمک فنی، موافقت نامه ای بین آناکاندا- ایران و شرکت مادر وی، آناکاندا امضاء گردید که طی آن قرار شد شرکت اخیرالذکر خدمات مختلفی جهت اجرای تعهدات آناکاندا- ایران طبق قرارداد کمک فنی، به نامبرده ارائه دهد.

۱۶ - بطور کلی، تعهدات آناکاندا- ایران طبق قرارداد کمک های فنی عبارت بود از ارائه اطلاعات و کمکهای فنی مختلف، اجرای یک برنامه آموزشی مفصل برای کارکنان و در ابتدای کار انجام مطالعات وسیعی در مورد عملی بودن طرح. آناکاندا- ایران اساسا" می بایست اطلاعات و کمک مورد درخواست را "برای طراحی، ساختمان، تدارک بهره برداری تجاری و راه اندازی و نگهداری" یک معدن روباز و تجهیزات مربوطه و تاسیسات تراش و تغلیظ سنگهای سولفور و ذوب مواد تغلیظ شده طبق روشهای معین جهت ریختهگری مس تاولی (blister copper)، ارائه نماید. در ازاء این خدمات قرار بود هزینه های مختلف معین و نیز حق الزحمه ای تحت عنوان ("حق الزحمه خدمات فنی") که پس از تاریخ معینی قرار بود "تا اولین روز ماه تقویمی متعاقب آغاز تولید تجاری"، ماهانه ۳۳۳،۳۳۳ دلار امریکا باشد، به آناکاندا- ایران پرداخت شود. ("آغاز تولید" به عنوان "تاریخ بهره برداری" نیز توصیف شده است). قرار بود کلیه پرداختهای لازم التادیه به آناکاندا- ایران به دلار امریکا صورت گیرد. این مطلب در جریان

رسیدگی حاضر مورد توافق است که در کلیه مواقع مرتبط با ادعای حاضر، حق الزحمه خدمات فنی ۳۳۳،۳۳۳ دلار در ماه بوده و تولید تجاری، به شرح مورد پیش بینی در قرارداد کمک فنی، در طول قرارداد شروع نشد.

ب - واقعیات و اظهارات

۱۷ - بطوری که خواهان ادعایش را اقامه نموده، هر دو طرف، حداقل تا سال ۱۹۷۸ به قرارداد کمک های فنی عمل کردند. به نظر می رسد در تاریخی در سال ۱۹۷۸ در مورد روش تهیه صورتحسابها و دلایل مورد استناد راجع به هزینه های قابل استرداد ادعائی، بین طرفین اختلاف بوجود آمد. ظاهراً "طرفین موافقت دارند که پس از جلسات ملاقاتی که در ژوئن ۱۹۷۸ برگزار شد، طرفین راجع به روش پرداخت بموقع مبالغ لازم التادیه مورد توافق، به توافق رسیدند. گرچه خواهان مدعی است که علی رغم این توافق، صنایع مس در بقیه سال ۱۹۷۸ نیز از پرداخت خودداری کرد، با اینحال اختلافی در این مورد نیست که آناکاندا- ایران به این تخلف ادعائی به عنوان دلیل فسخ قرارداد کمک های فنی در طول سال ۱۹۷۸، استناد نکرده است.

یک) فراخواندن کارکنان آناکاندا- ایران

۱۸ - خواهان ادعا می کند که در ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) ناآرامیهای اجتماعی و سیاسی در ایران به حدی افزایش یافت که وی ناچار شد به موجب ماده ۲-۰۶ قرارداد کمک فنی، از حق خویش دایر بر استناد به فورس ماژور بعنوان عذر عدم اجرای تعهداتش استفاده نموده، اقدام به فرا خواندن کارکنان خود از ایران بنماید. ماده ۲-۰۶ که تنها شرط قراردادی ناظر بر فورس ماژور است، به شرح زیر مقرر می دارد:

در موارد و مواقعی که وقایع قهری، از جمله (و بدون قید محدودیت) سیل، طوفان، زلزله، خرابکاری، شورش، جنگ داخلی، اقدامات دولت، بیماریهای واگیر، و وقایع خارج از کنترل آنکاندا - ایران بر تعهدات وی بابت این قرارداد اثر گذارد، آنکاندا - ایران هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت. چنانچه قبل از تاریخ بهره برداری هرگونه واقعه قهری مانع ادامه طرح شده و چنین واقعه‌ای به مدت ۶ ماه ادامه یابد، آنگاه صنایع مس به تنهایی می تواند با تسلیم اطلاعیه به آنکاندا - ایران قرارداد را فسخ کند. چنانچه ظرف ۱۲ ماه از آغاز چنین رویدادی، صنایع مس چنین اطلاعیه‌ای را تسلیم ننماید و رویداد همچنان ادامه داشته باشد، قرارداد در پایان مدت ۱۲ ماه، فسخ شده تلقی خواهد شد. چنانچه قراردادی بدین نحو خاتمه یابد، صنایع مس ظرف سی روز پس از فسخ قرارداد، مبالغ زیر را به آنکاندا - ایران خواهد پرداخت: (یک) کلیه مبالغی که در آن تاریخ طبق قرارداد لازم التادیه بوده و پرداخت نشده باشد، (دو) کلیه هزینه های فسخ و، (سه) مبالغی به دلار امریکا معادل مجموع حق الزحمه‌ای که در غیراینصورت طی سه ماه پس از تاریخ فسخ طبق قرارداد به آنکاندا - ایران قابل پرداخت می بود. [عبارات بعدی شامل شرایطی است در مورد حوادث قهری که پس از تاریخ بهره برداری بوقوع می پیوندند. ذکر شرایط یاد شده در اینجا مناسبتی ندارد (مقایسه شود با قسمت اخیر پاراگراف ۱۶ بالا)].

۱۹ - آنکاندا - ایران طی نامه (و تلگراف یا تلکس)، استناد خویش به فورس ماژور را به

شرح زیر به صنایع مس اعلام کرد:

به علت از هم گسیختگی امور داخلی در ایران، اجرای وظایف محوله به کارکنان اعزامی آنکاندا - ایران در رابطه با پروژه سرچشمه، غیرممکن شده است. ادامه وقایع فورس ماژور که خارج از کنترل آنکاندا - ایران است، ایجاب می کند که ما اطلاعیه فورس ماژور پیوست (که در این پرونده به عنوان مدرک ارائه نشده) را برای شما ارسال نموده و اقداماتی جهت گماردن کارکنان اعزامی، در مناطقی خارج از ایران انجام دهیم.

برنامه کنونی ما اینست که کارکنان اعزامی و افراد تحت تکفل ایشان را به موطن خود بازگردانیم. کارکنان مزبور همچنان حقوق دریافت خواهند کرد و حتی المقدور وظایف دیگری به آنان محول خواهد شد. هدف ما اینست که این کارکنان آماده به خدمت باشند تا به محض توقف شرایط فورس ماژور، به ایران مراجعت کرده، و کار پروژه سرچشمه را از سر گیرند.

۲۰ - روز بعد، یعنی در ۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۶ دیماه ۱۳۵۷) صنایع مس ضمن پاسخ (به نامه)، منکر وجود شرایط فورس ماژور گردیده، تقاضا کرد که «کارکنان... در محل کار باقی بمانند و کماکان به انجام وظایف و تعهدات خویش طبق قرارداد کمک های فنی ادامه دهند». در همان اطلاعیه، همچنین قید شد که «ایرادی به خروج افراد تحت تکفل کارکنان اعزامی آناکاندا از ایران نیست».

۲۱ - علی رغم درخواست صنایع مس، خواهان پرسنل خویش را فرا خوانده، آنان را به ماموریت‌های جدیدی در مناطقی خارج از ایران اعزام کرد.

۲۲ - صنایع مس ادعا می کند که فراخواندن پرسنل آناکاندا - ایران از ایران در حکم نقض قرارداد کمک های فنی از جانب آناکاندا- ایران بوده، زیرا صنایع مس طی تلکس مورخ ۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۶ دیماه ۱۳۵۷) خویش، استناد آناکاندا - ایران به فورس ماژور را رد کرد. به هر صورت، نامبرده استدلال می کند که شرایط آنوقت ایران فورس ماژور محسوب نمی شد.

دو) فسخ قرارداد کمک های فنی

۲۳ - گرچه طرفین در موضوعات دیگر اختلاف نظر دارند، بااینحال اختلافی در این مورد وجود ندارد که هیچیک از طرفین پس از تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) به قرارداد عمل نکرده است. طرفین در تأیید اظهارات خویش راجع به فسخ قرارداد، به مطالبی از جمله تلکسها و نامه های متبادله در طول مدت ۲۲ مارس ۱۹۷۹ تا ۳۱ مه ۱۹۷۹ (به ترتیب دوم فروردین ماه ۱۳۵۸ تا ۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) استناد می نمایند.

۲۴ - این تبادل نامه ها با اطلاعیه آناکاندا - ایران به صنایع مس بصورت نامه و تلکس

مورخ ۲۲ مارس ۱۹۷۹ (دوم فروردین ماه ۱۳۵۸) آغاز شد، مبنی بر اینکه صنایع مس کلا " ۲،۲۸۰،۹۴۴/۸۲ دلار امریکا "دین معوق" دارد و چنانچه مبلغ مزبور ظرف ۲۵ روز تادیه نشود، آناکاندا - ایران طبق ماده ۹-۳ قرارداد، قرارداد را فسخ خواهد کرد.

۲۵ - صنایع مس طی تلکس مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۷۹ (۲۲ فروردین ماه ۱۳۵۸) به اطلاعیه فوق اعتراض و اعلام کرد که "ما... هنوز منتظر دریافت اسناد مثبت هزینه های متحمله توسط شما هستیم" و به هر صورت چنین عملی به علت "اقدام یکجانبه شما در فراخواندن پرسنلتان" غیرموجه است. صنایع مس مضافاً پیشنهاد کرد که نماینده مجازی جهت مذاکره و حل اختلافات موجود، به تهران اعزام شود.

۲۶ - آناکاندا - ایران در پاسخ به تلکس یاد شده، طی نامه ای (ومتعاقباً با تلکس تأییدی) اطلاع داد که اسناد و مدارک لازم قبلاً ارائه شده، اما باوجود این خاطرنشان ساخت که "نسخ جدیدی از اسناد مثبت مبالغ لازم التادیه را با پیک ویژه برایتان ارسال می داریم"، و ضمناً مهلت رفع تخلف را نیز تا اول مه ۱۹۷۹ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تمدید کرد. آناکاندا- ایران مجدداً اعلام کرد که تصمیم دارد چنانچه کل مبلغ لازم التادیه تا اول مارس ۱۹۷۹ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۷) پرداخت نشود، طبق ماده ۹-۳ قرارداد را از تاریخ اول مه ۱۹۷۹ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) فسخ نماید. آناکاندا- ایران اظهار داشت که در مورد اعزام یا عدم اعزام نماینده به ایران پس از انقضای ضرب الاجل یاد شده تصمیم خواهد گرفت.

۲۷ - در ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) صنایع مس بار دیگر تلکسی برای خواهان فرستاده، و این بار توضیح داد که "طبق دستورات جمهوری اسلامی ایران" هیچ مبلغی قابل پرداخت نیست، مگر "پس از رسیدگی به کلیه حسابها". در پیام مزبور قید شده بود که حسابرسی در دست انجام است و "ما اختلافاتی مشاهده کرده ایم که

باید برطرف شوند". بار دیگر از خواهان موکدا" درخواست شد که نماینده ای به ایران اعزام دارد.

۲۸ - آناکاندا-ایران، طی نامه و تلکسی به ترتیب به تاریخ ۲ و ۳ مه ۱۹۷۹ (به ترتیب ۱۲ و ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) به صنایع مس اطلاع داد که این بار مهلت پرداخت را تا ۲۵ مه ۱۹۷۹ (۴ خردادماه ۱۳۵۸) تمدید می نماید. آناکاندا- ایران به صنایع مس پیشنهاد کرد که در عین حال "در اسرع وقت ممکن، آن اقلام صورتحساب را که تصور می کنید مورد اختلاف است و باید برطرف گردد، برای ما مشخص نمایید".

۲۹ - درست قبل از ضرب الاجل اخیر، یعنی در ۲۲ مه ۱۹۷۹ (اول خردادماه ۱۳۵۸) صنایع مس تلکسی مخابره کرد مبنی بر اینکه کار حسابرسی را به پایان رسانده، و هنوز پاره ای اسناد مورد نیاز است و تقریباً کل مبلغ مورد ادعا، یعنی ۲،۲۰۰،۰۰۰ دلار امریکا، هنوز مورد اختلاف می باشد. صنایع مس بار دیگر درخواست خود را مبنی بر اینکه خواهان نماینده ای به ایران اعزام نماید تکرار کرده، اعلام داشت که صنایع مس "حداکثر سعی خود را خواهد کرد تا کلیه اختلافات را با حسن نیت فیصله دهد".

۳۰ - سرانجام، آناکاندا- ایران طی تلکس مورخ ۳۱ مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) و نامه ای به همان تاریخ به صنایع مس اطلاع داد:

.....قرارداد از تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۹ فسخ می شود. مستند فسخ ماده ۳-۹ قرارداد است. فسخ قرارداد به این دلیل صورت می گیرد که صنایع مس مبالغی را که طبق قرارداد به آناکاندا - ایران لازم التادیه است، پرداخت نکرده است.

۳۱ - هر دو طرف در تأیید اظهارات خویش در این پرونده، به ماده ۹ قرارداد کمک های فنی تحت عنوان "فسخ" استناد می نمایند. متن کامل ماده مزبور، بدین شرح است :

۰۱ - ۹ - به استثنای موارد فورس ماژور به شرح مقرر در ماده ۲-۰۶ این قرارداد، هیچیک از طرفین نمی تواند این قرارداد را بدون دلیل فسخ کند و تنها به دلیل مندرج در ماده ۹، قرارداد قابل فسخ است.

۰۲ - ۹ - به استثنای موارد مندرج در ماده ۰۳-۹، چنانچه قرارداد توسط یکی از طرفین فسخ شود، طرفین خواهند کوشید که با حسن نیت تخلف مرتکبه را رفع نمایند. چنانچه یکی از طرفین معتقد باشد که قرارداد بطور اساسی نقض شده و همچنان به مدت ۹۰ روز پس از تسلیم اطلاعیه به طرف دیگر مبنی بر نقض آن، جبران تخلف نشده باشد، هریک از طرفین می تواند از اتاق بازرگانی بین المللی (آی سی سی) تقاضا کند که راجع به وقوع یا عدم وقوع چنین نقض اساسی تصمیم گیرد. عدم پرداخت هر مبلغ لازم التادیه به آناکاندا- ایران یا کارکنان وی (توسط صنایع مس) طبق قرارداد حاضر، نقض اساسی تلقی خواهد شد. تصمیم آی سی سی توسط سه نفر داور طبق قواعد مصالحه و داوری اتاق یادشده اتخاذ خواهد شد. داوری در پاریس پایتخت فرانسه صورت خواهد گرفت. مادام که چنین تصمیمی اتخاذ نشده، طرفین همچنان به اجرای تعهدات مربوطه خویش طبق این قرارداد ادامه خواهند داد. چنانچه آی سی سی رای دهد که قرارداد بصورت اساسی نقض شده، اتاق مذکور ضمن صدور حکمی به نفع طرف بی تقصیر، قرارداد را فسخ و میزان خسارت را بصورت کامل، ولی نه بیش از آنچه در مواد ۰۴-۹ و ۰۵-۹ برحسب مورد، تعیین شده است، بدون هرگونه کسر یا تهاتر تعیین خواهد کرد. هزینه های داوری طبق دستور داوران و مطابق با قواعد مصالحه و داوری آی سی سی، توسط طرفین پرداخت خواهد شد.

۰۳ - ۹ - با وجود این و به عنوان طریق دیگری برای جبران خسارات مقرر در ماده ۰۲-۹، چنانچه صنایع مس ظرف ۲۵ روز پس از دریافت اطلاعیه آناکاندا - ایران مبنی بر عدم پرداخت، مبلغ لازم التادیه به آناکاندا - ایران یا کارکنان وی طبق قرارداد حاضر را پرداخت نکند، آناکاندا - ایران می تواند قرارداد را فسخ نماید و صنایع مس مبلغ مصرح در ماده ۰۵ - ۹ را به آناکاندا- ایران پرداخت خواهد کرد. در صورت فسخ قرارداد بدین نحو، آناکاندا-ایران می تواند از آی سی سی تقاضا نماید که مبلغ قابل پرداخت به آناکاندا - ایران را طبق تصریح ماده ۰۵-۹ تعیین نماید. پس از تعیین مبلغ توسط آی سی سی، اتاق یاد شده ضمن صدور حکمی به نفع آناکاندا- ایران، مبلغ خسارات را که در ماده ۰۵-۹ تصریح گردیده بطور کامل (ولی نه اضافه بر آن)، بدون هیچگونه کسر یا تهاتری، تعیین خواهد نمود.

۹-۰۴ - چنانچه قرارداد حاضر به دلیل نقض اساسی آن توسط آناکاندا - ایران، طبق ماده ۰۲-۹ فسخ شود، آنگاه آناکاندا - ایران ظرف ۳۰ روز پس از فسخ، مبلغی معادل مجموع حق الزحمه‌هایی که در طول ۱۸ ماه مقدم بر تاریخ فسخ طبق قرارداد دریافت نموده، به دلار امریکا به صنایع مس پرداخت خواهد کرد.

۹-۰۵ - چنانچه قرارداد حاضر به دلیل نقض اساسی آن (توسط صنایع مس)، طبق ماده ۰۲-۹ فسخ شود و یا چنانچه آناکاندا - ایران قرارداد را طبق ماده ۰۳-۹ فسخ نموده باشد، در اینصورت، صنایع مس ظرف ۳۰ روز پس از فسخ، کلیه مبالغی را که در آن تاریخ طبق قرارداد لازم التادیه بوده و پرداخت نشده، و (دو) کلیه هزینه های فسخ و (سه) مبلغی معادل مجموع حق الزحمه‌هایی که طبق این قرارداد در طول ۱۸ ماه مقدم بر تاریخ فسخ به آناکاندا - ایران پرداخت شده یا لازم التادیه بوده، به دلار امریکا به آناکاندا - ایران پرداخت خواهد کرد.

۹-۰۶ - طرفین موافقت دارند که حکم صادره توسط آی سی سی طبق ماده ۹ حاضر و هرگونه مبالغ قابل پرداخت طبق مواد ۰۳-۹، ۰۴-۹ یا ۰۵-۹، می تواند در هر دادگاه صالحی به ثبت رسیده و یا می توان جهت تأیید قضائی حکم یا مبالغ مندرجه و صدور اجرائیه، برحسب مورد، تقاضا داد.

۹-۰۷ - طرفین حق هیچگونه دادخواهی دیگری به هر نحو و ترتیب (به استثنای آنچه که مشخصاً در ماده ۰۶-۲ و ماده ۹ حاضر مقرر شده) و همچنین حق دریافت هیچگونه خسارتی به هر نحو و ترتیب (غیر از مبالغ قابل پرداخت طبق مواد ۰۶-۲، ۰۲-۹، ۰۳-۹ یا ۰۵-۹) طبق این قرارداد، در رابطه با اجرای قرارداد حاضر یا به هر نحو در ارتباط با پروژه، تسهیلات، فعل یا ترک فعل هریک از کارکنان یا کارمندان صنایع مس، آناکاندا - ایران یا آناکاندا طبق قرارداد حاضر، نخواهند داشت.

۳۲ - آناکاندا - ایران اظهار می دارد که صنایع مس در هنگام فسخ، و همچنین در طول قسمت اعظم سال ۱۹۷۸، از پرداخت مبالغ لازم التادیه به آناکاندا - ایران خودداری ورزید. گرچه آناکاندا - ایران المثنای کلیه صورتحسابها و اسناد مثبت را طبق رویه های مورد توافق طرفین جهت پرداخت بموقع کلیه مبالغ لازم التادیه، ارائه کرده بود، با اینحال صنایع مس از اوایل سال ۱۹۷۸ از پرداخت هزینه های قابل استرداد، و از آوریل ۱۹۷۸، از پرداخت حقوق و مزایا و از اکتبر ۱۹۷۸ از پرداخت حق الزحمه کمک

فنی خودداری کرد. بهره مقرر در قرارداد نیز اصلاً پرداخت نشده است. ماده ۳-۹ صریحاً "آناکاندا - ایران را مجاز می ساخت که قرارداد کمک های فنی را به دلیل عدم پرداخت "هر مبلغ لازم التادیه ای" توسط صنایع مس، فسخ کند، مشروط بر آنکه فرصت ۲۵ روزه ای جهت جبران تخلف به صنایع مس داده شود. همانطور که از مکاتبات آناکاندا - ایران با صنایع مس پیداست، در واقع فرصت جبران تخلف به صنایع مس داده شد. آناکاندا - ایران این مهلت را حتی دوبار تعدید کرد. شرایط موضوع ماده ۲-۹ در مورد رجوع به دادگاه داوری آی سی سی و تعیین وقوع یا عدم وقوع نقض اساسی توسط دادگاه یاد شده، به علی غیر از قصور صنایع مس در پرداخت وجه مربوط می شود. آناکاندا - ایران مشخصاً اظهار می دارد که بموجب قرارداد کمک فنی، در دوره ای که نامبرده به دلیل فورس ماژور از اجرای قرارداد معذور بوده، وی حق خویش جهت فسخ به دلیل (تخلف طرف مقابل) را برای خویش محفوظ نگهداشت. از آنجا که قرارداد به دلیل نقض اساسی آن (توسط صنایع مس)، فسخ گردید، لذا آناکاندا - ایران مدعی است طبق مفاد ماده ۵-۹ (سه) ("خسارت فسخ") مستحق دریافت خسارت معادل ۱۸ ماه حق الزحمه خدمات فنی، بعلاوه مبالغ لازم التادیه و "هزینه های فسخ" است. به موجب ماده ۱۰ (دابلو) قرارداد کمک فنی، "هزینه های فسخ" بدین شرح تعریف شده است: "هرگونه هزینه متحمل توسط آناکاندا - ایران که منحصراً در رابطه با فسخ این قرارداد بوده و در صورت عدم فسخ، نامبرده چنین هزینه ای را متحمل نمی شد، مگر آنکه این قبیل هزینه ها مشخصاً در این موافقتنامه مستثنی شده باشد".

۳۳ - گرچه صنایع مس تصدیق می کند که در اوایل سال ۱۹۷۹، آناکاندا - ایران مبالغی طلبکار بود، با اینحال منکر آنست که عدم پرداخت مبالغ لازم التادیه، در حکم نقض قرارداد کمک های فنی بوده است. صنایع مس اظهار می دارد که از هنگام اجرای قرارداد کمک فنی تا ژانویه ۱۹۷۹، در مواردی پرداخت وجه به آناکاندا - ایران با تاخیر صورت گرفت و ادعا می کند که در مواردی که راجع به مبالغ لازم التادیه اختلاف نظر

پیش می‌آمد، طبق عرف و رویه تجاری و نیز طبق رویه معمول فیما بین طرفین، نامبردگان با حسن نیت به مذاکره می‌پرداختند و پس از آنکه توافق حاصل می‌شد، مبالغ لازم التادیه به صورت یکجا تسویه و تاعدیه می‌گردید. صنایع مس اظهار می‌دارد که طبق همین رویه، وی با حسن نیت کوشید در مورد مبالغی که حسب ادعای آناکاندا - ایران، صنایع مس در پرداخت آن قصور ورزیده بود، با آناکاندا - ایران وارد مذاکره شود، لکن آناکاندا - ایران به این کوششها ترتیب اثری نداد. به گفته صنایع مس، پاسخ آن شرکت به مکاتبات آناکاندا - ایران، موید این کوششها است. صنایع مس مضافاً ادعا می‌کند که مواد ۹-۰۲ و ۹-۰۳ قرارداد کمک های فنی مقرر می‌دارد که اختلاف طرفین در مورد وقوع نقض اساسی قرارداد باید به آی سی سی ارجاع شود و طرفین تا هنگام صدور رای آی سی سی، ملزم به اجرای قرارداد می‌باشند و چون آناکاندا - ایران موضوع را در آی سی سی مطرح نکرد، لذا رایی نیز مبنی بر نقض اساسی قرارداد توسط صنایع مس، صادر نشد.

۳۴ - صنایع مس به استحقاق ادعائی آناکاندا - ایران به دریافت هزینه های فسخ و خسارت فسخ و همچنین بهره مورد ادعا ایراد می‌گیرد، به این دلیل که آناکاندا - ایران از تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) اجرای تعهداتش را متوقف ساخته و تا قبل از فسخ قرارداد، کار را از سر نگرفت.

۳۵ - علاوه براین، صنایع مس به صورتی نه چندان هماهنگ، استدلال می‌کند که "طبق قانون مدنی ایران و نیز طبق اصول کلی و مسلم حقوقی"، آناکاندا - ایران نمی‌تواند بابت خدماتی که انجام نداده، یعنی خدماتی که پس از تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) ارائه نگردیده، مطالبه وجه نماید. معذک، صنایع مس به این استدلال به عنوان دلیل ایراد به "هزینه های اداری" مورد مطالبه آناکاندا - ایران، استناد نمی‌کند. مضافاً، به نظر می‌آید که مطالب مندرج در گزارش حسابرسی که

صنایع مس از سایر جهات بدان استناد می ورزد، موضع صنایع مس را تغییر می دهد. (رجوع شود به پاراگراف ۳۸ زیر). گرچه صنایع مس به مبالغ مورد ادعا طبق این گزارش حسابرسی ایراد می گیرد، با اینحال به نظر میرسد که دین خود را بابت حقوق و مزایای کارکنان و همچنین حق الزحمه خدمات فنی تا پایان ماه ژانویه ۱۹۷۹، می پذیرد.

۳۶ - به هر تقدیر، صنایع مس منکر آنست که در حال حاضر دینی در قبال آناکاندا - ایران دارد. صنایع مس مدعی است که آناکاندا - ایران در اجرای وظایف خویش طبق قرارداد کمک فنی، به ترتیبی که در ادعاهای متقابل صنایع مس مدلل و تشریح گردیده، قصور ورزیده و آناکاندا - ایران مبالغ هنگفتی خسارت که به مراتب بیش از دیون صنایع مس به آناکاندا - ایران است، به صنایع مس بدهکار است. صنایع مس، مضافاً به ترتیبی که در لایحه خود تشریح نموده، مدعی است که حق دارد "ادعای تهاثری" به مبلغ ۶،۸۱۴،۴۶۳/۰۸ دلار آمریکا بابت مالیات و حق بیمه پرداخت نشده، مطرح کند. بالنتیجه، صنایع مس ادعا می نماید که در حال حاضر هیچگونه تعهد و مسئولیتی در قبال آناکاندا - ایران ندارد، بلکه بالعکس آناکاندا - ایران به صنایع مس مدیون است.

سه) استدلالات مربوط به مبالغ مدعابه

۳۷ - آناکاندا - ایران بر اساس واقعیات پیش گفته و استدلالات خویش، اکنون مبالغ زیر را که همگی حسب ادعا طبق قرارداد کمک های فنی لازم التادیه است، مطالبه می کند: (یک) مبلغ ۱،۳۳۲،۱۷۶/۷۷ دلار آمریکا بابت هزینه های قابل استرداد متحمله تا پایان مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) (از جمله مبلغ ۱۲۱،۸۷۶/۳۴ دلار متحمله پیش از مه ۱۹۷۸)، (دو) مبلغ ۸۳۹،۳۵۸/۸۶ دلار آمریکا بابت حقوقی که از مه ۱۹۷۸ تا پایان مارس ۱۹۷۹ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ الی ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) و در مه ۱۹۷۹ به کارکنان پرداخت شده و مبلغ ۲۵۷،۷۴۲/۱۴ دلار آمریکا بابت مزایای پرداختی

بدیشان از مه ۱۹۷۸ لغایت مارس ۱۹۷۹ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ الی ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۸)، (سه) مبلغ ۲،۳۳۳،۳۳۱ دلار امریکا بابت حق الزحمه پرداخت نشده خدمات فنی مربوط به نوامبر ۱۹۷۸ تا پایان مه ۱۹۷۹ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۷ لغایت ۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) و به موجب ماده ۹-۰۵ قرارداد کمک فنی، (چهار) مبلغ ۴۲۸،۱۵۹/۷۳ دلار امریکا بابت هزینه های فسخ و (پنج) مبلغ ۶،۰۰۰،۰۰۰ دلار امریکا معادل حق الزحمه ۱۸ ماه خدمات فنی مقدم بر تاریخ فسخ که طبق قرارداد کمک های فنی به آناکاندا- ایران پرداخت شده و یا لازم التادیه می باشد. بدینسان اصل مبلغ ادعا کلا" به ۱۱،۱۹۰،۷۶۸/۵۰ دلار امریکا بالغ می شود. آناکاندا- ایران، مضافا" خواستار بهره مرکب مورد توافق در قرارداد است. طبق محاسباتی که آناکاندا- ایران ارائه نموده، نامبرده مبلغ ۶،۸۳۶،۶۶۵/۳۸ دلار بهره متعلقه تا پایان نوامبر ۱۹۸۱ (۹ آذرماه ۱۳۶۰) و نیز بهره متعلقه از "۱۸ دسامبر ۱۹۸۱" (۲۷ آذرماه ۱۳۶۰) تا "تاریخ حکم" نسبت به کل مبلغ ۱۸،۰۲۷،۴۳۳/۸۸ دلار را مطالبه می کند و بالاخره، آناکاندا - ایران مبلغ ۴۱۸،۰۴۹/۹۴ دلار امریکا بابت هزینه های داوری خویش مطالبه می نماید.

۳۸ - موضع صنایع مس در گزارش حسابرسی که براساس اسناد و مدارک موجود و بدنبال رسیدگی به صورتحسابهای آناکاندا - ایران تنظیم شده، منعکس می باشد. صنایع مس با استناد به گزارش مزبور و به قید سایر ایرادات مطروحه، تصدیق می کند که مبالغ زیر را به آناکاندا - ایران مدیون است: (یک) مبلغ ۲۰۱،۳۳۴/۱۰ دلار امریکا بابت استرداد هزینه های واقعی متحمله تا پایان مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸)، (دو) مبلغ ۷۵۳،۴۰۸/۰۲ دلار امریکا بابت پرداختهای مستقیم به آناکاندا - ایران و کارکنان اعزامی و مزایای قابل استرداد که (خواهان) از مه ۱۹۷۸ تا آخر ژانویه ۱۹۷۹ متحمل گردیده، (سه) مبلغ ۹۹۹،۹۹۹ دلار امریکا بابت حق الزحمه پرداخت نشده خدمات فنی مقرر از نوامبر ۱۹۷۸ تا آخر ژانویه ۱۹۷۹. بدینسان صنایع مس کلا" مبلغ ۱،۹۵۴،۷۴۱/۱۲ دلار امریکا را بعنوان مبالغ پرداخت نشده می پذیرد، ولی در عین

حال منکر سایر مبالغ مورد مطالبه و همچنین هرگونه بهره نسبت به آن مبالغ می باشد.

د - دلایل

۳۹ - دیوان داوری بر این نظر است که موضع طرفین و همچنین ملاحظات عملی ایجاب می کند که دیوان پیش از ورود به بررسی مشروح مبالغ مورد ادعا بدواً به اظهارات و استدلال کلی طرفین بپردازد.

یک) فرا خواندن کارکنان آناکاندا - ایران

۴۰ - اولین موضوع مطروح نزد دیوان تعیین این مطلب است که آیا عدم اجرای قرارداد کمک فنی از ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) به بعد، که بحثی در مورد آن نیست، آنطور که ادعا شده، با استناد به فورس ماژور قابل توجیه است، یا اینکه بالعکس، طبق اظهار صنایع مس، چنین عملی نقض قرارداد محسوب می شود.

۴۱ - بنظر دیوان داوری این مطلب عموماً مورد قبول است که فورس ماژور بسته به واقعیات و اوضاع و احوال، می تواند عذر عدم اجرای تعهدات قراردادی شناخته شود. هرگاه وضعیت فورس ماژور وجود داشته باشد، اجرای تعهدات قراردادی، بعضاً یا کلاً، به حالت تعلیق درخواهد آمد. یکی دیگر از آثار مترتب بر فورس ماژور می تواند فسخ قرارداد باشد، مشروط بر اینکه اجرای قرارداد در اثر فورس ماژور بطور قطع و یا به مدتی طولانی، غیرممکن گردد.

۴۲ - از آنجا که فورس ماژور از اوضاع و احوال واقعی ناشی شده و منوط و متکی بدانست، لذا به محض ظهور اوضاع و احوالی که مانع ایفای تعهد شوند، فورس ماژور

برقرارداد اثر خواهد گذاشت. معهذاء، اثر واقعی فورس ماژور بر قرارداد منوط به اینست که اوضاع و احوال مزبور، عملاً و عیناً تا چه حد اجرای قرارداد را غیرممکن سازد. در نتیجه، وجود فورس ماژور منوط یا ناشی از توافق طرفین راجع به وجود چنین شرایطی نیست. همچنین اعمال فورس ماژور منوط و متکی به هیچگونه الزامات رسمی نیست، مگر آنکه در خود قرار داد مورد بحث قید شده باشد.

۴۳ - اکثر سیستمهای حقوقی، اگر نه همه آنها، فورس ماژور را تحت عناوین مختلف به عنوان عذر عدم اجرای قرارداد می پذیرند. بنابراین، فورس ماژور را می توان یک اصل کلی حقوقی تلقی کرد. نتیجه این می شود که حق استناد به فورس ماژور منوط و متکی به قید قراردادی صریحی نبوده یا از آن ناشی نمی شود. معهذاء، طرفین قرارداد می توانند توافق کنند که فورس ماژور پی آمدهای خاصی در مورد اجرای قرارداد یا فسخ آن داشته باشد. طرفین همچنین می توانند تصمیم بگیرند که فورس ماژور بر تعهدات قراردادی ایشان، کلاً یا بعضاً، اثری نداشته باشد. معذک، قطعاً نمی توان چنین فرض کرد که محدودیت حق استناد به فورس ماژور می تواند مستمسک عدم اجرای قرارداد واقع شود، بلکه چنین امری مستلزم وجود شرط صریحی در قرارداد است.

۴۴ - در پرونده حاضر اختلافی نیست که آناکاندا - ایران طی تلکس مورخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) به صنایع مس اطلاع داد که از تاریخ یاد شده به دلیل فورس ماژور نمی تواند تعهداتش را طبق قرارداد کمک های فنی ایفا نماید. ماعخذ قراردادی مورد استناد آناکاندا - ایران، ماده ۲-۰۶ قرارداد کمک های فنی بوده است.

۴۵ - نظر دیوان اینست که از مفاد ماده ۲-۰۶ قرارداد به روشنی پیداست که آناکاندا - ایران حق داشته به عنوان عذر عدم اجرای تعهدات قراردادی خویش به فورس ماژور استناد نماید.

۴۶ - دیوان این استدلال صنایع مس را نمی پذیرد که چون وی تلکس اطلاعیه مورخ ۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۶ دیماه ۱۳۵۷) آناکاندا - ایران را نپذیرفت، لذا فورس ماژور نمی تواند عذر عدم اجرای قرارداد توسط آناکاندا - ایران باشد. همانطور که قبلاً گفته شد، نظر دیوان اینست که وجود شرایط فورس ماژور منوط به موافقت بین طرفین یا ناشی از آن نبوده، بلکه نتیجه پاره‌ای اوضاع و احوال است.

۴۷ - در رابطه با ادعای صنایع مس مبنی بر اینکه در مواقع ذریبطه شرایط فورس ماژور در واقع در ایران حکمفرما نبوده، خاطر نشان می سازد که دیوان قبلاً نظر داده است که حداقل از دسامبر ۱۹۷۸ تا ۱۵ فوریه ۱۹۷۹ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷) شرایط موجود در ایران به نحوی بوده که فورس ماژور محسوب می شده است:

در حقیقت می توان نتیجه گرفت که حداقل در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۴ آذرماه ۱۳۵۷)..... شرایط در ایران به وضعیت فورس ماژور در آمده بود. دیوان همانطور که در پرونده های دیگر نظر داده: " تادسامبر ۱۹۷۸، اعتصابات و سایر کشمکشهای داخلی در جریان انقلاب اسلامی، لاقط در شهرهای بزرگ ایران شرایط کلاسیک فورس ماژور را به وجود آورده بود. منظور ما از فورس ماژور عبارت از نیروهای اجتماعی و اقتصادی است که از قدرت کنترل دولت، علی رغم اعمال مجاهدت لازم، خارج باشد."

رجوع شود به حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۸۶ مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مردادماه ۱۳۶۴) صادره در پرونده اینترنشنال تکنیکال پرادکتس کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران صفحه ۲۱ (متن انگلیسی) که در آن، به قرار اعدادی شماره ۲-۴۹-۲۴ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مردادماه ۱۳۶۲) صادره در پرونده گولد مارکتینگ، اینکوریوریتد به طرفیت وزارت دفاع ملی ایران، صفحه ۱۱ (متن انگلیسی) (که در 3 Iran-U.S. C.T.R. 147، 152-153 به طبع رسیده) استناد شده؛ و نیز رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ (۶ تیرماه ۱۳۶۴) صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینکوریوریتد به طرفیت دولت جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۱۵ (متن انگلیسی).

۴۸ - علاوه براین، دیوان در حکم نقل شده در بالا نظر داد که شرایط فورس ماژور مذکور، به شرکتهای امریکائی حق می داد که کارکنانشان را از ایران فرا خوانده، اجرای قرارداد را در طول دوره فورس ماژور به حالت تعلیق در آورند. مضافاً، دیوان مشخصاً نظر داده است که در مدت زمان ذیربط در پرونده حاضر، در منطقه سرچشمه وضعیت فورس ماژور حکمفرما بوده است. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۱۱۱-۱۹۴ مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۸۵ (۱۸ مهرماه ۱۳۶۴) صادره در پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز اینکوریوریتد به طرفیت شرکت ملی صنایع مس ایران، صفحات ۱۴-۱۳ (متن انگلیسی).

۴۹ - دیوان داوری مطابق با رویه معمول خویش، نتیجه می گیرد که آناکاندا - ایران به هر حال از زمان خروج کارکنانش در ژانویه ۱۹۷۹ تا ۱۵ فوریه ۱۹۷۹ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷) به دلیل فورس ماژور از اجرای قرارداد کمک های فنی معذور بوده است.

۵۰ - دیوان داوری متذکر می شود که از ۱۵ فوریه ۱۹۷۹ به بعد، شرایط موجود در ایران تدریجاً عادی تر شد، لکن تعیین تاریخ دقیقی که از آن به بعد، اوضاع موجود در ایران عموماً "فورس ماژور محسوب نمی شده، برای دیوان نه مقدور و نه ضروری است. معهذاً، در اوضاع و احوال این پرونده، دیوان بر این نظر است که حداقل تا ۳۱ مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) شرایط در ایران به نحوی بوده که ادامه عدم اجرای قرارداد توسط آناکاندا- ایران، در مواردی که اجرای قرارداد مستلزم حضور پرسنل امریکائی در ایران بوده، قابل توجیه بوده است.

دو) فسخ قرارداد کمک های فنی

۵۱ - آناکاندا - ایران مدعی است که نقض اساسی قرارداد توسط صنایع مس، یعنی قصور صنایع مس در پرداخت مبالغ لازم التادیه به آناکاندا- ایران، دلیل فسخ قرارداد

کمک فنی بوده است. گرچه آناکاندا - ایران اظهار می دارد که از مه ۱۹۷۸ دیون معوقی وجود داشت، با اینحال نمی گوید که هیچگاه قبل از ۲۲ مارس ۱۹۷۹ (دوم فروردین ماه ۱۳۵۸) به عنوان دلیل فسخ قرارداد، به نقض ادعائی مذکور استناد شده است.

۵۲ - صنایع مس در لایحه تسلیمی خویش در ۴ فوریه ۱۹۸۵ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۳)، برای اولین بار تصدیق کرد که تا ژانویه ۱۹۷۹ یا در حدود آن تاریخ، کلاً مبلغ ۱،۹۵۴،۷۴۱/۱۲ دلار به آناکاندا - ایران بدهکار بوده است. صنایع مس ادعا نمی کند که در طول سال مقدم بر فسخ قرارداد کمک فنی، این مبالغ را پرداخت کرده است. معهداً، صنایع مس قبول ندارد که قصور مزبور نقض اساسی شرایط قرارداد کمک های فنی بوده است.

۵۳ - صنایع مس ابتدا با این ادعا از عدم پرداخت وجه دفاع می کند که رویه ای بین طرفین معمول شده بود که به موجب آن طرفین مکلف بودند در صورت بروز اختلاف، پیش از اعمال حقوق صریح خویش طبق قرارداد کمک فنی، با حسن نیت جهت حل و فصل اختلاف به مذاکره بپردازند. صنایع مس اظهار می دارد که خودداری آناکاندا - ایران از نشان دادن حسن نیت و شرکت در این مذاکرات، یعنی امتناع از اعزام نماینده به ایران، آناکاندا - ایران را از فسخ قرارداد کمک های فنی به دلیل عدم پرداخت "هرگونه مبلغ لازم التادیه" توسط صنایع مس، ممنوع می سازد. صنایع مس حتی ادعا می کند که این رویه، به مثابه یک عرف تجاری عام است. گرچه دیوان موافق است که طرفین متعاقد همواره در مناسبات قراردادی شان مکلفند با حسن نیت عمل کنند، با اینحال دیوان بر این نظر است که با توجه به شرایط فورس ماژور حاکم در ایران، عمل آناکاندا - ایران در عدم اعزام نماینده به ایران جهت مذاکره، موجه بوده است. به هر صورت، دیوان ناگزیر است ادعای صنایع مس را مبنی بر وجود عرف، اعم از عرف تجاری عام یا عرف فیما بین

طرفین که بتواند مانع اعمال حقوق صریح قراردادی توسط آناکاندا - ایران بشود، به دلیل عدم اثبات مردود شمارد.

۵۴ - مساله‌ای که باقی می ماند، بررسی دو رشته استدلال دیگر است که صنایع مس اقامه نموده است. اولین استدلالی که صنایع مس برای رد ادعای آناکاندا- ایران جهت پرداخت حق الزحمه خدمات فنی و استرداد حقوق و مزایای کارکنان از فوریه ۱۹۷۹ ببعده، مطرح می سازد، اینست که آناکاندا- ایران بابت خدماتی که ارائه نشده استحقاق دریافت حق الزحمه، ندارد.

۵۵ - دیوان داوری هم اکنون نظر داد که عدم اجرای قرارداد توسط آناکاندا- ایران از تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) ببعده، به علت فورس ماژور موجه بوده است. بنابراین، مساله مطروح در دیوان اینست که آیا با معذوربودن آناکاندا- ایران از اجرای قرارداد به دلیل فورس ماژور، صنایع مس، طبق قرارداد یا به طرق دیگر، همچنان در برابر آناکاندا - ایران مسئول و متعهد است یا نه؟ لازم است بین این موضوع و این سؤال که آیا صنایع مس طبق قرارداد یا به طرق دیگر، حق داشته به نفع خویش به فورس ماژور استناد کند یا نه، تمایز قایل شد. به این مساله متعاقباً بطور جداگانه رسیدگی خواهد شد (رجوع شود به پاراگراف ۶۰ زیر).

۵۶ - دیوان داوری قبلاً پذیرفته (رجوع شود به پاراگراف ۴۳ بالا) که طرفین قرارداد می توانند راجع به اثراتی که فورس ماژور می تواند بر تعهدات هریک از ایشان داشته باشد، توافق نموده و این اثرات را مشخص سازند. بنابراین، دیوان باید در بدو امر مفاد قرارداد را بررسی نماید. با بررسی قرارداد کمک فنی، به ویژه قسمت ذیربط آن، یعنی ماده ۲-۶ (که متن آن در پاراگراف ۱۸ بالا نقل شد) دیوان داوری بدواً ملاحظه می نماید که قرارداد یاد شده حاوی هیچ شرطی، خواه صریح و خواه ضمنی نیست که تعهد

صنایع مس مبنی بر پرداخت وجوه قراردادی را در مدتی که آناکاندا - ایران به دلیل فورس ماژور از اجرای قرارداد معذور بوده، بحالت تعلیق درآورد. معذک، دیوان ملاحظه می نماید که قرارداد حاوی هیچ شرط صریحی که خلاف آنرا مقرر دارد نیز، نمی باشد. ماده ۲-۰۶ صراحتاً و صرفاً ناظر بر اثراتی است که وضعیت فورس ماژور بر تعهدات آناکاندا - ایران خواهد داشت و در مورد اثرات چنین وضعیتی بر تعهدات صنایع مس، ساکت است. معهداً، همین بند در قسمتهای ذیربط خود "تنها" صنایع مس را مجاز می سازد که قرارداد را پس از ۶ ماه ادامه وضعیت فورس ماژور فسخ نماید. نظر دیوان اینست که حق فسخ مزبور که منحصرأ به صنایع مس اعطاء شده، فقط بدین نحو قابل توضیح است که تعهد صنایع مس به پرداخت وجوه قراردادی منوط به این نبوده که آناکاندا - ایران در صورت فورس ماژور، عملاً قرارداد را اجرا کند. دیوان مضافاً متذکر می شود که گرچه چنین تعهدی ممکن است برحسب ظاهر خلاف منافع صنایع مس بنظر برسد، با اینحال صنایع مس کماکان حق داشت از آناکاندا - ایران بخواهد که اجرای قرارداد را بلافاصله پس از انقضای وضعیت فورس ماژور بدون قید و شرط ادامه دهد، و این فرض غیرمنطقی نیست که با توجه به دامنه و وسعت پروژه مورد بحث، چنین حقی عوض با ارزشی برای صنایع مس محسوب می شده است. بالنتیجه، به نفع صنایع مس بود که با توجه به از سر گرفتن فرضی اجرای قرارداد، آناکاندا - ایران همچنان متعهد و متقبل هزینه های مربوط به ابقاء کارکنان باشد. این واقعیت که قرارداد کمک های فنی متعاقباً فسخ شد، این نتیجه گیری را تغییر نمی دهد. نتیجه اینکه، دیوان ادعای صنایع مس را مبنی بر اینکه عدم اجرای قرارداد توسط آناکاندا - ایران صنایع مس را محق می سازد که حق الزحمه خدمات فنی و حقوق و مزایای کارکنان را برای دوره از اول فوریه ۱۹۷۹ تا تاریخ فسخ قرارداد کمک های فنی نپردازد، مردود می شمارد.

۵۷ - دومین استدلال مطروح توسط صنایع مس اینست که آناکاندا - ایران پس از تاریخی که اجرای تعهدات موضوع قرارداد کمک های فنی را متوقف ساخت، دیگر حق فسخ

قرارداد و در نتیجه، حق مطالبه هزینه‌های فسخ و خسارات فسخ را طبق ماده ۹-۵ (دو) و (سه) نداشته است.

۵۸ - دیوان داوری متذکر می شود که اختلافی راجع به این مطلب نیست که در ۲۲ مارس ۱۹۷۹ (دوم فروردین ماه ۱۳۵۸)، یعنی در زمانی که طبق نتیجه گیری دیوان ، آناکاندا- ایران از اجرای قرارداد به دلیل فورس ماژور معذور بوده، نامبرده قصد خویش را مبنی بر فسخ قرارداد، به صنایع مس اطلاع داد. بنابراین مساله اینست که آیا این نتیجه گیری به هر نحو بر حق آناکاندا- ایران نسبت به فسخ قرارداد تاثیر می گذارد، یا نه.

۵۹ - از مفاد قرارداد کمک های فنی به روشنی پیداست که آناکاندا - ایران ، طبق ماده ۹ صراحتاً حق داشته قرارداد را به دلیل عدم پرداخت "هرگونه مبلغ لازم التادیه" به وسیله صنایع مس فسخ کند و این حق چه صریحاً و به نظر دیوان، چه به طور ضمنی، موکول و منوط به اجرای واقعی قرارداد توسط آناکاندا - ایران نبوده است. در پرونده حاضر، اختلافی راجع به این مطلب نیست که صنایع مس قبل از ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) وجوه لازم را نپرداخته است. بنابراین، از ۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دیماه ۱۳۵۷) آناکاندا - ایران طبق قرارداد حق داشته قرارداد کمک های فنی را فسخ کند. دیوان داوری بر این نظر است که این واقعیت که آناکاندا - ایران در آن زمان اقدام به این کار نکرد، و به علت اوضاع و احوالی که در این اثناء حادث شد، به حق به فورس ماژور استناد نمود، نمی تواند بدین معنی باشد که نامبرده از حق صریح قراردادی خویش نسبت به فسخ قرارداد کمک فنی ، اعراض کرده است.

۶۰ - معهذاً، این موضوع کاملاً از این مساله متمایز است که آیا صنایع مس می توانسته به عنوان عذر عدم اجرای تعهدات خویش جهت پرداخت، به فورس ماژور استناد کند، یا

نمی توانسته؟ لکن، صنایع مس به عنوان عذر عدم اجرای تعهداتش که خود آنرا تصدیق می کند، به فورس ماژور استناد نکرده است. درواقع، نامبرده به طور مداوم و در حقیقت بطور موعده، این موضع را اتخاذ نموده که در مواقع ذریبطه شرایط فورس ماژور در ایران حاکم نبوده است. بنابراین، نه از دیوان خواسته شده و نه دیوان بهر صورت ملزم به تصمیم گیری راجع به این مساله است که آیا اوضاع و احوال موجود در مدت ذریبطه بنحوی بوده که تعلیق تعهدات صنایع مس را جهت پرداخت وجوه موضوع قرارداد کمک های فنی توجیه نماید یا خیر. بنابراین، دیوان وارد بررسی این مساله نمی شود که آیا اتخاذ چنین تصمیمی می تواند بر یافته های دیوان اثر گذارد، یا نه.

۶۱ - دیوان داوری ملاحظه می نماید که گرچه صنایع مس در جریان رسیدگی حاضر ادعاهای متقابل معتناهی بر مبنای مسامحه ادعایی آناکاندا - ایران در اجرای قرارداد کمک فنی مطرح نموده، با اینحال مطلب و مدرکی در سوابق موجود نزد دیوان وجود ندارد که حاکی از آن باشد که صنایع مس، خواه در جریان اجرای قرارداد و خواه در جریان رسیدگی حاضر، بر این مبنا مدعی نقض اساسی قرارداد توسط آناکاندا - ایران شده باشد، به نحوی که صنایع مس را محق به فسخ قرارداد نماید. گرچه، این امر به خودی خود، مسئولیت آناکاندا - ایران را در قبال هرگونه ادعای متقابل منتفی نمی سازد، با اینحال هیچگونه تاثیری در علت فسخ قرارداد ندارد.

۶۲ - بدین ترتیب، دیوان نتیجه می گیرد که آناکاندا - ایران حق داشته در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) به علت نقض اساسی قرارداد کمک های فنی توسط صنایع مس، قرارداد مزبور را فسخ نماید.

۶۳ - دیوان داوری خاطر نشان می سازد که در جلسه استماع، صنایع مس برای اولین بار مدعی شد که این صنایع مس بود که قرارداد را در تاریخی بعد از ۳۱ مه ۱۹۷۹

(۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) فسخ کرد. صرفنظر از این واقعیت که صنایع مس این ادعا را به اثبات نرسانده، دیوان با توجه به نتیجه گیری خویش در بالا (رجوع شود به پاراگراف ۶۲ بالا) لزومی به پرداختن به این موضوع نمی بیند.

سه) شرح جزئیات ادعا

۶۴ - بنابراین مساله‌ای که برای دیوان باقی می ماند اینست که به تفصیل بیشتر و نیز در پرتو نتیجه گیریهای خویش، ادعاهای مطروح توسط آناکاندا- ایران و همچنین ایرادات مشروح صنایع مس نسبت به آنها را مورد رسیدگی قرار دهد. به موضوع بهره مورد مطالبه بابت اصل مبالغ، در زیر جداگانه رسیدگی خواهد شد.

الف) بازپرداخت هزینه ها

۶۵ - آناکاندا - ایران بدواً مبلغ ۱۲۱،۷۸۶/۳۹ دلار امریکا بابت هزینه‌های قابل استرداد متحمل ادعائی تا قبل از مه ۱۹۷۸، بعلاوه مبلغ ۸۹/۹۵ دلار امریکا بابت کسری پرداخت صورتحساب مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۸ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) مطالبه می کند. آناکاندا - ایران در تائید این بخش از ادعایش یک فهرست یک صفحه ای از هزینه‌های قابل استرداد و کسری پرداخت ادعائی تسلیم نموده است.

۶۶ - صنایع مس به جبران هزینه های قابل استرداد ادعائی اعتراض کرده، می گوید که این هزینه‌ها حداقل از ژوئن ۱۹۷۸ تا این تاریخ، مورد اختلاف طرفین بوده است. صنایع مس به نامه مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۷۸ (۳۱ خردادماه ۱۳۵۷) آناکاندا- ایران استناد می‌کند که توسط "دبلیو. ال. اورل، مدیر اداره خط مشی و کنترل" امضاء شده و به تائید "ج. برهانی، مدیر مالی صنایع مس" رسیده است.

۶۷ - به نظر دیوان داوری از نامه مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۷۸ (۳۱ خردادماه ۱۳۵۷) فوق الذکر چنین بر می آید که در آن تاریخ، طرفین راجع به پرداخت کلا " ۱۲۱،۷۸۶/۳۹ دلار امریکا بابت هزینه ها اختلاف داشته و توافق کرده بودند که مبلغ مزبور، مادام که مجاز بودن یا نبودن استرداد این هزینه ها طبق قرارداد کمک فنی، مورد رسیدگی واقع نشده و فیصله نیافته، پرداخت نشود. دلیل و مدرکی حاکی از آنکه ارقام مزبور بعداً" مشخص و رضایت صنایع مس حاصل گردیده باشد، ارائه نشده است. لذا دیوان این بخش از ادعا را مردود می شناسد. ادعای کسری پرداخت نیز به علت فقد دلیل رد می شود.

۶۸ - آناکاندا - ایران مضافاً ضمن ارائه اسناد و مدارک موعید به صورت نسخ صورتحسابها همراه با مدارک مثبت که تاریخ آنها مقارن با زمان اجرای قرار داد است، مبلغ ۹۷۶،۸۶۰/۸۶ دلار امریکا برای دوره مه ۱۹۷۸ لغایت مارس ۱۹۷۹ و مبلغ ۲۳۳،۴۳۹/۵۷ دلار امریکا برای دوره آوریل ۱۹۷۹ لغایت مه ۱۹۷۹ بابت هزینه ها مطالبه می کند.

۶۹ - گرچه صنایع مس کلا " قبول دارد که این دسته از هزینه ها طبق قرارداد کمک های فنی به آناکاندا - ایران لازم التادیه است، با اینحال نامبرده بر مبنای گزارش حسابرسی، به مبالغ مورد ادعا ایراد می گیرد. صنایع مس دین خود را بابت هزینه ماههای مه ۱۹۷۸ الی مارس ۱۹۷۹ به مبلغ ۲۰۱،۳۳۴/۱۰ دلار امریکا می پذیرد، لیکن، به دلایل زیر بابت ماههای آوریل و مه ۱۹۷۹ هیچگونه مسئولیتی قبول نمی کند:

در مورد ماههای آوریل و مه ۱۹۷۹ (صنایع مس) هیچگونه صورتحسابی (غیر از آنچه توسط آناکاندا - ایران در جریان رسیدگی حاضر ارائه شده) دریافت ننموده و لذا با توجه به عدم ارائه مدارک مثبت، صورتحسابهای یاد شده قابل قبول نمی باشد.

۷۰ - دیوان داوری ملاحظه می نماید که تا آنجا که به هزینه های متحمله ادعائی

آناکاندا - ایران از مه ۱۹۷۸ الی مارس ۱۹۷۹ مربوط می شود، عدم قبول هرگونه مسئولیت توسط صنایع مس، سوای مبلغ پذیرفته شده، مستدل نبوده و صنایع مس به طریق دیگری نیز غیر از اظهار این مطلب که مبلغ مورد بحث "غیرقابل قبول تشخیص داده شد" راجع به آن توضیح نداده است. تا آنجا که به هزینه های متحمله ادعائی بابت ماههای آوریل و مه ۱۹۷۹ مربوط می شود، صنایع مس به دلیل دیگری نیز که مورد ایراد آناکاندا- ایران نیست، استناد می کند، دائر بر اینکه در جریان اجرای قرارداد هیچ صورتحسابی بابت این هزینه ها به صنایع مس تسلیم نشد. گرچه عدم تسلیم هرگونه صورتحساب بابت هزینه های متحمله در ماههای آوریل و مه ۱۹۷۹ در آن زمان، ممکن است بر میزان بهره ای که آناکاندا- ایران احتمالاً بابت آن ذیحق شناخته می شود تاثیر گذارد، با اینحال، این واقعیت به خودی خود استحقاق آناکاندا- ایران را به دریافت خسارت نفی نمی نماید.

۷۱ - دیوان متذکر می شود که گرچه صنایع مس دلیل دیگری جهت عدم قبول بازپرداخت این هزینه ها ارائه ننموده، با اینحال دیوان باید با توجه به ایرادات صنایع مس، بررسی کند که آیا هزینه های مورد ادعا، علی الظاهر طبق قرارداد کمک های فنی مجاز می باشند یا نه.

۷۲ - با بررسی این مطلب، دیوان ملاحظه می نماید که در برگ "خلاصه هزینه های ماه مارس ۱۹۷۹" که به صورتحساب تسلیمی بابت "هزینه های قابل استرداد مارس ۱۹۷۹" پیوست شده است، آناکاندا - ایران بازپرداخت مبلغ ۱۲۵،۰۰۰ دلار امریکا بابت "هزینه های تخمینی حمل بار و ائانه شخصی کارکنان اعزامی، به ایالات متحده"، و مبلغ ۴۷،۵۷۹/۱۳ دلار امریکا بابت "مخارج تخمینی انتقال جیمز مور از ایران به ایالات متحده"، مطالبه کرده است. بهمین نحو، در برگ خلاصه ضمیمه صورتحساب مربوط به ماه مه ۱۹۷۹، آناکاندا- ایران مبلغ ۱۴۴،۷۷۰ دلار امریکا بابت بازپرداخت "هزینه های

تخمینی حمل ااثه منزل و لوازم شخصی کارکنان اعزامی، به ایالات متحده"، مطالبه کرده است. صرفنظر از مسئولیت کلی که صنایع مس بابت این قبیل هزینه‌های متحمل شده دارد، دیوان داوری بر این نظر است که سوابق امر حاوی هیچگونه مدرکی دال بر اینکه آناکاندا- ایران واقعا" چنین هزینه هائی را متحمل شده باشد، نیست. در نتیجه، دیوان جمعا" مبلغ ۳۱۷،۳۴۹/۱۳ دلار امریکا از کل هزینه‌های مورد ادعا را غیر قابل قبول تشخیص می دهد.

۷۳ - در مورد مابقی هزینه‌ها، دیوان بر این نظر است که هزینه های مزبور علی‌الظاهر، به موجب قرارداد کمک های فنی قابل استرداد می باشند. آناکاندا- ایران با ارائه دلایل و توضیحات مربوط به هزینه‌هائی که بازپرداخت آن مورد ادعاست (از جمله هزینه‌های مربوط به ماههای آوریل و مه ۱۹۷۹) به صنایع مس فرصت داد که این هزینه ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، موضع خود را اعلام کند، لکن هیچگونه مطالبی از جانب صنایع مس مبنی بر اینکه نامبرده به هر دلیلی قادر به انجام اینکار نبوده، اظهار نشده است. با توجه به مراتب پیش گفته، دیوان نتیجه می گیرد که صنایع مس دلیلی در تائید موضع خویش ارائه نکرده است. از اینرو، دیوان مبلغ ۸۹۲،۹۵۱/۳۰ دلار امریکابه نفع آناکاندا- ایران در حکم منظور می نماید.

ب) حقوق و مزایا

۷۴ - آناکاندا- ایران مدعی است که حق دارد مبلغ ۸۳۹،۳۵۸/۸۶ دلار امریکا بابت حقوق کارکنان از مه ۱۹۷۸ لغایت مارس ۱۹۷۹ و مه ۱۹۷۹ و مبلغ ۲۵۷،۷۴۲/۱۴ دلار امریکا بابت مزایای کارکنان از مه ۱۹۷۸ لغایت مارس ۱۹۷۹، یعنی جمعا" مبلغ ۱،۰۹۷،۱۰۱ دلار امریکا دریافت نماید. آناکاندا- ایران اسناد و مدارکی به صورت نسخ صورتحسابها همراه با مدارک مثبت ارائه نموده که از نظر تاریخ، مقارن اجرای قرارداد

است.

۷۵ - گزارش حسابرسی صنایع مس دقیقاً با مبلغ مورد درخواست آناکاندا- ایران تا ژانویه ۱۹۷۹ مطابقت دارد و مطالبات مربوط به ماههای بعد، صرفاً به دلیل قصور ادعائی آناکاندا- ایران در اجرای قرارداد در آن دوره زمانی، مردود شناخته شده است. معهداً، صنایع مس به نحوه محاسبه مبالغ مورد ادعا توسط آناکاندا- ایران برای ماههای فوریه الی مه ۱۹۷۹ ایرادی نمی‌گیرد.

۷۶ - دیوان داوری قبلاً دلیل ارائه شده توسط صنایع مس را جهت عدم پرداخت، مردود شناخته است (رجوع شود به پاراگراف‌های ۵۶ - ۵۴، بالا). گرچه دیوان متقاعد شده است که اسناد و مدارک لازم جهت به دست دادن تصویری راجع به هزینه های مورد بحث در این پرونده، چه قبل و چه بعد از جریان رسیدگی به صنایع مس تسلیم شده، با اینحال دیوان ملاحظه می نماید که آناکاندا- ایران در صورتحسابی که در مورد هزینه‌های متحمل بابت ماه مه ارائه نموده، مبلغ ۷,۰۶۴/۲۳ دلار امریکابابت بازپرداخت هزینه‌های ماه ژوئن (ظاهراً سال ۱۹۷۹) مطالبه کرده است. دیوان داوری بر این نظر است که خواهان دلیل محمول بر صحتی ارائه نکرده است که چرا صنایع مس باید پس از فسخ قرارداد کمک های فنی نیز متعهد به بازپرداخت حقوق کارکنان آناکاندا- ایران شناخته شود. لذا، دیوان این بخش از ادعا را مردود می شناسد. در رابطه با مابقی مبالغ، نظر دیوان اینست که آناکاندا- ایران استحقاق دارد بقیه اصل مبلغ مورد ادعا، یعنی مبلغ ۱,۰۹۰,۰۳۶/۷۷ دلار امریکا دریافت نماید.

ج (حق الزحمه خدمات فنی)

۷۷ - آناکاندا- ایران مضافاً به موجب قرارداد کمک های فنی مبلغ ۳۳۳,۳۳۳ دلار

امریکا در ماه بابت حق الزحمه خدمات فنی، بمدت هفت ماه از نوامبر ۱۹۷۸، یعنی کلاً مبلغ -/۲،۳۳۳،۳۳۱ دلار امریکا مطالبه می کند.

۷۸ - صنایع مس ایرادی به مبلغ حق الزحمه ماهانه ندارد و دین خود را بابت ماههای نوامبر الی ژانویه ۱۹۷۹ می پذیرد، لیکن هرگونه مسئولیتی را از آن بیعد به دلیل اینکه آناکاندا-ایران واقعا" پس از ژانویه ۱۹۷۹ کاری انجام نداده، انکار می کند.

۷۹ - نتیجه گیریهای دیوان در بالا تکلیف ایرادات مطروح توسط صنایع مس را روشن ساخته و لذا دیوان این بخش از ادعای آناکاندا - ایران را نیز می پذیرد.

د) هزینه های فسخ

۸۰ - به موجب ماده ۰۵- ۹ قرارداد کمک فنی، آناکاندا- ایران مبلغ ۴۲۸،۱۵۹/۷۳ دلار امریکا بابت "هزینه های فسخ" مطالبه می کند. لکن، آناکاندا- ایران در تائید این بخش از ادعایش فقط دو صفحه صورت مخارجی که حسب ادعا برای دوره ژوئن ۱۹۷۹ الی نوامبر ۱۹۸۱ متحمل شده، ارائه نموده است.

۸۱ - صنایع مس به این بخش از ادعا ایراد می گیرد. در گزارش حسابرسی صنایع مس قید شده است که:

نظر به اینکه آناکاندا- ایران هیچگونه دلیل و مدرک مثبتی ای در رابطه با هزینه های مربوط به دوره پس از ختم قرارداد ارائه ننموده، لذا اظهار نظر راجع به هزینه های مذکور امکان پذیر نیست.

۸۲ - در رابطه با این بخش از ادعای آناکاندا- ایران، مساله ای از نظر صلاحیت وجود

ندارد، زیرا از نظر صلاحیت، کلیه بخشهای این ادعا با فسخ قرارداد کمک فنی، در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) به وجود آمد، گواينکه حسب ادعا، پاره‌ای هزینه‌ها تا پس از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) انجام نشد.

۸۳ - معذک، دیوان داوری ملاحظه می نماید که غیر از دو صفحه صورت هزینه‌های مورد اختلاف، و بر خلاف موارد مربوط به بخشهای دیگر ادعای آناکاندا- ایران، هیچگونه اطلاعات موعید یا اسناد و مدارک دیگری، به دیوان ارائه نشده است. در واقع هیچ نشانه‌ای حاکی از اینکه چنین اطلاعات یا اسناد و مدارکی به صنایع مس تسلیم شده باشد، در دست نیست. دیوان مضافاً در نظر گرفتن این مطلب را نیز لازم می داند که هزینه مورد بحث از نظر کیفیت استثنائی بوده و لذا یک هزینه معمولی مشمول قرارداد کمک فنی نیست. با توجه به مراتب پیش گفته، دیوان این بخش از ادعا را کلاً رد می‌کند.

هـ) خسارت فسخ

۸۴ - آناکاندا- ایران همچنین به موجب ماده ۵-۹ (سه) قرارداد کمک فنی، مبلغی معادل حق الزحمه خدمات فنی پرداخت شده یا لازم‌التادیه به آناکاندا- ایران طبق قرارداد فوق الذکر، بابت دوره ۱۸ ماهه قبل از تاریخ فسخ (یعنی ۳۳۳،۳۳۳ دلار آمریکا × ۱۸ ماه) مطالبه می کند.

۸۵ - تنها دفاعی که توسط صنایع مس اقامه گردیده، قبلاً "توسط دیوان رد شده است (رجوع شود به پاراگرافهای ۵۷ تا ۵۹ بالا). از اینرو دیوان مبلغ ۵،۹۹۹،۹۹۴ دلار آمریکا به نفع آناکاندا- ایران حکم می دهد.

د - نتیجه گیری

۸۶ - بطور خلاصه، دیوان ادعای آناکاندا- ایران را که میزان آن کلاً " ۱۰،۳۱۶،۳۱۳/۰۷ دلار امریکا است، می‌پذیرد. معهذاً، با توجه به نتیجه‌گیریها و نظرات دیوان در مورد ادعاهای متقابل (رجوع شود به قسمت پنجم زیر) و همچنین به دلیل اعدادی بودن قرار حاضر، دیوان ایفای هرگونه تعهد پرداخت را از جانب صنایع مس، تا تعیین تکلیف نهائی ادعاهای متقابل توسط دیوان، به بعد موکول می‌کند.

پنجم - ادعاهای متقابل

الف - سابقه

۸۷ - صنایع مس ایران در بدو امر ادعای متقابلی به مبلغ ۱،۱۴۰،۱۳۲،۸۷۵ دلار امریکا در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۰ شهریورماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند و در ۲۲ اوت ۱۹۸۳ (۳۱ مردادماه ۱۳۶۲) با افزایش آن به مبلغ ۲،۰۶۸،۸۶۵،۲۲۹ دلار به علاوه بهره و هزینه ها، در صدد برآمد که ادعای متقابل خود را اصلاح کند. سرانجام در ۴ فوریه ۱۹۸۵ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۳) صنایع مس ایران ادعای متقابل دیگری بالغ بر ۶،۸۱۴،۴۶۳/۰۸ دلار بابت مالیاتها و حق بیمه اجتماعی که حسب ادعا پرداخت نشده، اقامه کرد با این ترتیب که مآلاً در برابر مبالغ مورد مطالبه آناکاندا- ایران که صنایع مس آنرا بعنوان دین خود می‌پذیرد، پایاپای گردد.

۸۸ - دلایل مورد استناد صنایع مس عبارتند از اظهاراتی مبنی بر اینکه آناکاندا طبق

مقررات ماده ۲-۳ قرارداد کمک های فنی "مانند مالک منحصر به فرد پروژه رفتار نکرد" و بنابراین به حد کافی "بر کار پیمانکار نظارت ننمود و در نتیجه، کار طبق برنامه به اتمام نرسید". صنایع مس همچنین اظهار می دارد که "در طراحی پروژه اشتباهاتی وجود داشت". نامبرده همچنین استدلال می کند که در نتیجه این قصور "هزینه های پروژه به میزان معتنابهی افزایش یافت" و پروژه هنوز به "مرحله تولید تجاری نرسیده است". صنایع مس مضافاً اظهار می دارد که "با تسلیم گزارش توجیهی [مقرر طبق ماده ۲-۱ (د) قرارداد کمک فنی] که جزء لاینفک قرارداد بود، آناکاندا خود را متعهد به اجرا^۶ و تکمیل پروژه نمود". صنایع مس در فهرست خساراتی که بر وی وارد آمده، "افزایش هزینه"، "تعمیر قسمتهای مختلف" تاسیسات، "خسارات ناشی از طولانی شدن پروژه"، یا "آماده نبودن کوره ذوب و تغلیظ کننده طبق برنامه" و "تعمیر سد رسوبی" را ذکر کرده است.

۸۹ - خواهان مدعی است که ادعاهای متقابل خارج از صلاحیت دیوان بوده و به دلایل دیگری نیز، مسموع نیستند. خواهان در تائید ادعاهایش یک رشته استدلالاتی مطرح می کند که در عین حال، پاسخ به سئوالات مطروح توسط دیوان در دستور مورخ ۷ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۷ خردادماه ۱۳۶۳) نیز محسوب می شود. صنایع مس نیز به این سئوالات به تفصیل پاسخ داده است.

۹۰ - دیوان معتقد است که بعضی از استدلالات طرفین را می توان بعنوان یک موضوع مقدماتی جداگانه مورد بررسی قرارداد، در حالی که در برخی دیگر از استدلالات موضوعاتی مطرح شده است که ذاتاً آنچنان به ماهیت مرتبط است که نمی توان آنها را از ماهیت (ادعاهای متقابل) جدا کرد.

ب - مجاز بودن ادعاهای متقابل و صلاحیت رسیدگی بدانها

یک) حدود قرارداد

۹۱ - استدلال اساسی مطروح علیه صلاحیت دیوان بر ماده ۹ قرارداد کمک های فنی مبتنی است (رجوع شود به پاراگراف ۳۱ فوق) که طبق اظهار خواهان، خوانده را صراحتاً از اقامه ادعای متقابل منع می کند.

۹۲ - این ماده دقیق و حساب شده، ضمن سایر مطالب، مکانیسم بسیار خاصی برای حل اختلافات طرفین درباره واقعیاتی که بتواند نقض "اساسی" قرارداد محسوب شده و سبب فسخ قرارداد کمک های فنی گردد، ایجاد می نماید.

۹۳ - ماده ۹-۲ قرارداد مقرر می دارد که در صورت عدم توافق طرفین درباره وجود نقض اساسی قرارداد، طرف ذینفع می تواند موضوع را برای اخذ تصمیم به هیات داوری آی سی سی ارجاع کند. ولی در چنین موردی، اختیارات آی سی سی شدیداً محدود شده است و مهمترین این محدودیتها اینست که اگر آی سی سی نظر داد که قرارداد نقض شده، در آن صورت ملزم است با صدور "حکمی به نفع طرف بی تقصیر، قرارداد کمک های فنی را فسخ و میزان خسارات را بطور کامل ولی نه بیش از آنچه در مواد ۹-۴ یا ۹-۵ برحسب مورد تعیین شده است، و بدون هرگونه کسر یا تهاتر، تعیین کند." (خط تاکید اضافه شده است). ماده ۹-۳ که شامل موردی می شود که صنایع مس در پرداخت هرگونه وجه لازم التادیه به موجب قرارداد به "آناکاندا یا کارمندان" قصور نماید، در مورد اختیارات آی سی سی محدودیت هائی بمراتب بیشتر قائل شده است، ولی حاوی همان شرط ممنوعیت تخفیف یا تهاتر می باشد.

۹۴ - از این مفاد روشن است که چنانچه یکی از طرفین ادعا را به داوری اطاق بازرگانی بین‌المللی ارجاع کند، طرف دیگر حق اقامه ادعای متقابل را ندارد. در صورتی که راعی داده شود که قرارداد نقض شده، خسارات مربوط باید "بدون تخفیف یا تهاتری بهر نوع" به مبالغ مصرح در قرارداد کمکهای فنی، در حکم منظور شود. اگر طرف دیگر نیز ادعای استحقاق حکمی به نفع خود داشته باشد، باید جریان رسیدگی جداگانه‌ای را نزد آی سی سی تعقیب و ادعای مستقلی را برای آن منظور مطرح نماید.

۹۵ - انگیزه این مکانیسم دقیق و حساب شده، احتمالاً "تجربه‌ای بوده که آناکاندا قبل از عقد قرارداد کمکهای فنی، در شیلی کسب کرده بود. در شیلی علایق آناکاندا ملی شده بود و غرامتی که باید دریافت می‌کرد، طبق قانون ملی کردن، با تخفیفها و تهاترهای مختلف از جمله "سودهای اضافی" به کلی از بین رفته بود. ولی جای تردید است که یک شرط قراردادی مانند شرط مورد اختلاف در این پرونده، می‌توانست بطور موثر منافع آناکاندا را در چنین موردی حفظ کند. در صورت ملی شدن، اختلافاتی که ممکن است راجع به غرامت مطرح شود، الزاماً یا منحصرماً از یک نقض احتمالی قرارداد ناشی نشده، بلکه در اثر اعمال قانون ملی کردن ایجاد می‌گردد. بنابراین اینگونه اختلافات صرفاً از طریق اعمال مقررات قراردادی درباره حل و فصل اختلافات طرفین، قابل فیصله نیست.

۹۶ - طبق ادعای آناکاندا، محدودیتهای قراردادی در مورد صلاحیت و اختیارات آی سی سی در مورد این دیوان نیز عیناً صادق است. آناکاندا اظهار می‌دارد که "چون خواننده نمی‌توانسته ادعای متقابل یا تهاتری نزد آی سی سی مطرح نماید، بنابراین اجازه اقامه ادعای متقابل در این دیوان را نیز ندارد، مگر آنکه دیوان حرمت قراردادی را که مبنای قضاوت خود قرار می‌دهد، بشکند".

۹۷ - این اظهارات کلی نشان می‌دهد که در مورد ماهیت دیوان و صلاحیت آن

استنباط کاملاً نادرستی وجود دارد. این دیوان با توافق قراردادی طرفین این دعوی تاسیس نشده و اختیارات خود را از اراده آنان کسب نمی کند. دیوان بواسطه یک موافقتنامه منعقد بین دو دولت که حالت یک معاهده بین المللی را دارد، تاسیس شده و تابع حقوق بین الملل است. این واقعیت تاحال در احکام و تصمیمات قبلی دیوان پذیرفته شده است. از جمله مقایسه شود با تصمیم شماره الف - ۱۸ - ۳۲ دیوان عمومی در پرونده شماره الف - ۱۸، مورخ ۶ آوریل ۱۹۸۴ (۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳) صفحات ۱۴ و ۱۵ (متن انگلیسی) که در Iran-U.S. C.T.R 251, 259 به طبع رسیده و نیز صفحات ۸-۹ (متن انگلیسی) قرار اعدادی شماره ۳-۴۵۸-۵۳ (۲۶ ژوئن ۱۹۸۵/۵ تیرماه ۱۳۶۴) صادره در پرونده برتن مارکس اند هری اومن به طرفیت جمهوری اسلامی ایران. از جمله مدارک موید این توافق، دو بیانیه الجزیره، یعنی بیانیه عمومی و بیانیه حل و فصل دعاوی ("موافقت نامه های الجزیره") است که اختیارات و صلاحیت دیوان در آنها تعریف شده است.

۹۸ - موافقت نامه های الجزیره مکانیسمی برای حل و فصل کلیه ادعاهای مشروح در ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی که توسط طرفین فیصله نیافته، ایجاد کرده اند. طبق اصل کلی (ب) بیانیه عمومی، این مکانیسم به این دلیل ایجاد شد که:

کلیه دعاوی بین هر دولت با اتباع دولت دیگر [جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا] را لغو و موجبات حل و فصل و ابطال کلیه این دعاوی را از طریق یک داوری لازم الاجرا^۶ فراهم نماید.

۹۹ - ایجاد این مکانیسم حل و فصل از طریق داوری لازم الاجرا^۶، همراه با یک رشته اقدامات قاطعی صورت گرفته که حقوقی را که خواهانها می توانستند از قراردادهای خود کسب کنند و یا حقوقی را که قابل حصول از قوانین داخلی دو کشور مربوط بوده، لغو کرده است. طبق مفاد اصل کلی (ب) بیانیه عمومی، ایالات

متحدہ به ویژه توافق کرد

به تمام اقدامات حقوقی در دادگاہای ایالات متحدہ کہ متضمن ادعاهای اتباع و موسسات امریکائی علیہ ایران و موسسات دولتی آن است، خاتمہ دادہ، کلیہ احکام توقیف و احکام قضائی صادرہ را لغو، سایر دعاوی بر اساس چنین ادعاهائی را ممنوع و موجبات خاتمہ دادن به چنین ادعاهائی را از طریق داوری لازم الاجراء فراهم نماید.

به همین نحو، طبق مادہ دو بیانیه حل و فصل دعاوی، قطع نظر از مفاد قراردادهای موضوع دعاوی حاضر، و صرفاً بلحاظ اختیار مندرج در بیانیه، صلاحیت دیوان در مورد ادعاهای مندرج در آن مادہ محرز می باشد.

۱۰۰ - این خصوصیات، مکانیسم حل و فصل ادعاهای اتباع ہریک از دو دولت امضاء کنندہ موافقت نامہ‌های الجزیرہ علیہ طرف دیگر را از کلیہ مکانیسم های دیگر داوری بازرگانی کہ می تواند نسبت به قراردادهای تجاری بین واحدهای واجد ملیت های مختلف (از جملہ قراردادهائی کہ یک طرف آن دولت است) ایجاد شود، کاملاً متمایز می سازد، اعم از اینکه مکانیزم های یاد شدہ جزء اینگونه قرارداد ها بوده یا از قراردادهای جداگانہ‌ای ناشی شوند. هنگام مقایسہ مکانیسمی کہ موافقت نامہ‌های الجزیرہ ایجاد کردہ با مکانیسمہائی کہ منشاء قراردادی دارند، باید به این وجوہ تمایز توجہ لازم بشود. همین امر در مورد رویہ های قضائی ایجاد شدہ طبق احکام صادرہ توسط دیوانہای دیگر نیز، صادق است. بنابراین، نتیج حاصل از این مقایسہ ها در غالب موارد، بی ارتباط و در واقع این کار نوعی قیاس مع الفارق است.

۱۰۱ - به همین دلیل، کوشش برای مقید کردن دیوان به محدودیتہای قراردادی مورد توافق طرفین اشتباہ است. به همین نحو، گمراہ کننده است کہ استدلال شود این دیوان جانشین ہیئت داوری است کہ قرار بودہ زیر نظر آی سی سی و به موجب قراردادی

مرتبط با یک ادعای مطروح در این دیوان، تاسیس گردد. در واقع در اینجا دو مکانیسم حل و فصل کاملاً جداگانه مطرح است که بر دو بنیاد حقوقی کاملاً مستقل مبتنی می‌باشند.

۱۰۲ - تا آنجا که به صلاحیت، روش و بطور کلی تشکیل و طرزکار دیوان مربوط می‌شود، دیوان منحصراً تابع قواعدی است که از موافقت نامه‌های الجزیره، و طبق بند ۲ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی، از مقررات داوری آنسیترال بصورتی که طبق این موافقتنامه‌ها یا توسط دیوان اصلاح گردیده، اتخاذ شده‌اند. صلاحیت دیوان به هیچوجه تابع مقرراتی که طرفین در ماده ۹ قرارداد کمکهای فنی مطروح در پرونده حاضر تنظیم کرده‌اند، نیست.

۱۰۳ - دیوان داوری غالباً در گذشته بر این مطلب تأکید ورزیده که مقررات ماهیتاً بین‌المللی حاکم بر صلاحیت دیوان، نسبت به مقررات قراردادهای مرتبط با ادعاهای مطروح در دیوان، برتری دارند. این برتری، قطع نظر از اینکه این مقررات الزامی بوده و یا به طرفین یک اختلاف مطروح در این دیوان حقوقی تفویض کند، مصداق می‌یابد. بعنوان مثال، در اینجا می‌توان از قید استثنای مندرج در قسمت اخیر ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی نام برد. حتی در مواردی که یک قید قراردادی، صلاحیت رسیدگی را به هیئت‌های داوری دیگر یا دادگاههای داخلی تفویض کرده، دیوان خود را صالح دانسته، باستثنای مواردی که "صریحاً" قید شده باشد که "هر" اختلافی "در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالح ایران می‌باشد". این تفسیر سبب شده که حتی وقتی قرارداد قابل اعمالی صراحتاً صلاحیت را به دادگاههای ایرانی اعطاء کرده، دیوان خود را صالح بداند، مشروط بر اینکه این تفویض صلاحیت، انحصاری نبوده، یا کلیه اختلافات ناشی از قرارداد را شامل نشود.

۱۰۴ - علیرغم عمومیت اصطلاحات مورد استفاده در اصل کلی (ب) بیانیه عمومی و ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، این مفاد و مقررات تبعه یکی از دو دولت طرف بیانیه را که ادعائی علیه دولت طرف دیگر دارد، ملزم نمی کند که ادعای خود را به این دیوان تسلیم نماید. لیکن، در بسیاری موارد، توسل به این دیوان می تواند تنها وسیله موثر برای فیصله دعوی باشد. به علاوه، بدلیل مقررات مربوط به ایجاد حساب تضمینی، حل و فصل دعاوی توسط این دیوان برای خواهانهای موفق امریکائی این مزیت را نیز در بر دارد که اجرای احکام تضمین شده است، ولی خواهانها در عین حال می توانند با توسل به وسایل دیگر نیز، بخصوص از طریق حل و فصل دوستانه دعوی یا اعراض از ادعاهای خود، به فیصله دعوی نایل شوند. بااینحال، اگر خواهانها تصمیم بگیرند ادعای خود را به دیوان تسلیم نمایند، در عمل کلاً تابع مقررات حاکم بر صلاحیت و طرزکار دیوان خواهند بود، ولواینکه این قواعد برخلاف شروط قراردادهائی باشد که ادعاهای ایشان از آنها ناشی می شوند.

۱۰۵ - قواعد متخذة از موافقت نامه های الجزیره، بر ادعاها و ادعاهای متقابل متساویا حاکمند. خواننده دعوائی که در دیوان اقامه شده، همیشه مانند خواهان آزاد است مرجع رسیدگی دیگری غیر از دیوان برای طرح ادعائی که احتمالاً علیه طرف متقابل دارد (و از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که مبنای ادعا را تشکیل می دهد، ناشی شده) انتخاب کند. (رجوع شود به: نی - سیستمز اینکوریوریتد به طرفیت دولت جمهوری اسلامی ایران قرار موقت شماره ۳۸۸-۱۳ دیوان عمومی (۴ فوریه ۱۹۸۳ - ۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۱) که در Iran-U.S. C.T.R. 51 2 به طبع رسیده است). در چنین حالتی، معمولاً مراجع رسیدگی دیگری، علی الخصوص به موجب مفاد قراردادهای مورد استناد، یا به استناد قواعد حقوق بین الملل خصوصی، وجود دارد.

۱۰۶ - از طرف دیگر، طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی و بند ۳ ماده ۱۹

قواعد دیوان، خوانده^۶ یک ادعای مطروح در دیوان، مجاز است همراه لایحه دفاعیه خود (یا در مراحل بعدی جریان داوری، در صورتی که دیوان تشخیص دهد که تاخیر موجه بوده) ادعای متقابلی را مطرح نماید. حقی که بدین نحو به خوانندگان اعطاء شده، بروشنی به منزله نوعی تعادل در برابر تفویض استثنائی صلاحیت رسیدگی به ادعاهائی است که در غیراینصورت، طبق قرارداد، در حیطه صلاحیت دادگاه‌های دیگری می‌بود. بنابراین، اگر به این دلیل که در قرارداد منشاء ادعای متقابل، رویه دیگری پیش بینی شده، حق تسلیم ادعای متقابل به خواننده داده نشود، در آنصورت، تعادل حقوق دو طرف دعوی به مخاطره می‌افتد. باید اضافه کرد که حق تسلیم ادعاهای متقابل، که در صورت پذیرفته شدن آنها، می‌تواند منجر به تهاجر در برابر خسارات مورد حکم به نفع خواهان گردد، در چهارچوب موافقت نامه‌های الجزیره که مقرر می‌دارد محکوم به آراء^۶ صادره به نفع خواهانهای آمریکائی از محل حساب تضمینی پرداخت شود، از اهمیت خاصی برخوردار است.

۱۰۷ - ولی گذشته از این، موافقت نامه‌های الجزیره صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل را اکیدا محدود کرده است. طبق ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعای متقابل برای اینکه مجاز شناخته شود، باید "از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که منشاء دعوی را تشکیل می‌دهد" ناشی شده باشد. از طرف دیگر، طبق همان ماده، "هر" ادعای متقابلی که حائز این شرایط باشد، باید توسط دیوان رسیدگی شود.

۱۰۸ - بر این اساس، در پرونده حاضر لزومی ندارد که دیوان به بررسی این مساله پردازد که آیا ماده ۹ قرارداد کمکهای فنی، طرح ادعای متقابل در آی سی سی را ممنوع می‌سازد، یا خیر. دیوان تنها باید این مساله را بررسی کند که آیا ادعاهای متقابل مطروح توسط صنایع مس، عملاً واجد شرایط موصوف در ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی از لحاظ مجاز بودن (ادعاهای متقابل) می‌باشند، یا خیر. اگر دیوان نظر

دهد که ادعای متقابل خاصی حائز این شرایط است، چاره‌ای جز این ندارد که چنین ادعای متقابلی را مجاز اعلام کند.

دو) محدودیت از لحاظ مبلغ ادعای متقابل

۱۰۹ - آناکاندا مضافاً این ایراد را مطرح می‌کند که ادعای متقابلی که از سایر جهات حائز شرایط ماده دو بیانیه حل و فصل باشد، "مبلغ آن نمی‌تواند از مبلغ ادعا بیشتر باشد" و ضمناً دیوان صلاحیت رسیدگی به آن قسمت از ادعای متقابل را که مازاد بر مبلغ ادعاست، ندارد. آناکاندا انکار نمی‌کند که چه در قواعد دیوان و چه در بیانیه حل و فصل دعاوی ماده خاصی در این مورد وجود ندارد، ولی استدلال می‌نماید که ادعاهای متقابل "غیرتهاتری" مشمول اختیارات صلاحیتی خاصی که بیانیه حل و فصل به دیوان اعطاء کرده، نمی‌باشد. خواهان به تصمیم دیوان در پرونده الف - ۲ (تصمیم شماره ۱-الف ۲ دیوان عمومی، مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ (۶ بهمن ماه ۱۳۶۰) (که در 101 Iran-U.S. C.T.R. به طبع رسیده)، استناد کرده، می‌گوید که قرار اعدادی صادره در پرونده گولد مارکتینگ اینکوریوریتد بطرفیت وزارت دفاع ملی ایران بی‌ارتباط به دعوی حاضر بوده، در این مورد قابل اعمال نمی‌باشد. قرار اعدادی شماره ۲-۴۹-۲۴ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مردادماه ۱۳۶۲) که در 3 Iran-U.S. C.T.R. 147 به طبع رسیده است. خواهان همچنین به تفسیری از بیانیه مزبور که با توجه به مقدمات کار تنظیم بیانیه حل و فصل و اوضاع و احوال انعقاد آن، صورت گرفته استناد می‌کند. وی همچنین استدلال می‌کند که دیوان باید قوانین و مقررات ذریبط ایالات متحده و نیز رویه قضائی آن را مورد بررسی قرار دهد.

۱۱۰ - صنایع مس ایراد آناکاندا را در مورد مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی و قواعد دیوان نمی‌پذیرد و استدلال می‌کند که بیانیه حل و فصل دعاوی نیاز به تفسیر ندارد و

عدم ذکر هرگونه محدودیت صریح مبلغ ادعای متقابل را باید چنین تفسیر کرد که دولتهای امضاء کننده بیانیه با چنین محدودیتی موافقت نکردند. بر آن اساس، خواننده اظهار می‌دارد که رویه قضائی ایالات متحده با این مطلب بی‌ارتباط است. صنایع مس به پرونده گولد به نفع خود استناد و مضافاً استدلال می‌کند که تفسیر ارائه شده توسط خواهانها منطقی نیست، زیرا پیامد آن اینست که کلیه خواندگانی که مبلغ ادعای متقابل آنان بیش از مبلغ ادعا بوده، متقاضی رسیدگی به جنبه‌های محدودی از این ادعاهای متقابل مطروح در این دیوان باشند، باتوجه به اعتبار امر مختوم از اقامه ادعای متقابل بابت سایر جنبه‌های ادعاهای مزبور و مبالغ زائد بر ادعاء، در هر دادگاه قانونی دیگری ممنوع باشند.

۱۱۱ - دیوان معتقد است همان استدلالی که در فوق مورد استناد قرار گرفت (رجوع شود به بندهای ۱۰۸-۱۰۲ فوق) شامل این ایراد مطروح توسط خواهان نیز می‌شود. ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی حاوی هیچ محدودیتی در مورد مبالغ ادعاهای متقابل مطروح نیست. همانطور که هم‌اکنون ملاحظه شد، ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، جهت رسیدگی به "هر ادعای متقابلی" که حائز شرایط مندرج در این ماده باشد، به دیوان تفویض صلاحیت کرده است. دیوان دلیلی در دست ندارد که مفاد بیانیه حل و فصل را بیش از این مورد تفسیر قرار دهد. در حکم صادره دیوان در پرونده گولد صراحتاً قید شده است که صرف تجاوز مبلغ ادعای متقابل از مبلغ ادعا موجب نمی‌شود که صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل سلب گردد. رجوع شود به: قرار اعدادی شماره ۲-۴۹-۲۴ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مردادماه ۱۳۶۲) صادره در پرونده گولد مارکتینگ، اینکوریوریتد و وزارت دفاع ملی ایران، صفحه ۱۰ (متن انگلیسی) که در Iran-U.S. C.T.R 147, 151-152 به طبع رسیده. لذا، این ایراد خواهان باید مردود شناخته شود.

سه) تاخیر در ثبت ادعاهای متقابل

۱۱۲ - استدلال دیگر مورد استناد خواهان این است که "دیوان صلاحیت رسیدگی به هیچیک از ادعاهای متقابل خوانده را ندارد، زیرا هیچیک از آنها به موقع به ثبت نرسیده اند" این موضوع به صلاحیت دیوان کمتر ارتباط دارد تا به مجاز بودن یک ادعای متقابل.

۱۱۳ - پس از چندین بار تعدید مهلت، صنایع مس می بایست حداکثر تا ۳۰ اوت ۱۹۸۲ (۸ شهریورماه ۱۳۶۱) دفاعیه خود را ثبت می کرد. صنایع مس سرانجام دفاعیه و پاسخ و ادعای متقابل خود را در اول سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۰ شهریورماه ۱۳۶۱)، یعنی دو روز بعد از ۳۰ اوت به ثبت رساند. این ادعای متقابل بالغ بر ۱،۴۰۰،۱۳۲،۸۵۷ دلار امریکا بود. متعاقباً در ۲۲ اوت ۱۹۸۳ (۳۱ مردادماه ۱۳۶۲) صنایع مس ادعای متقابل خود را اصلاح کرده و مبلغ آنرا به ۲،۰۶۵،۸۶۵،۲۹۹ دلار افزایش داد. و آخرالامر، در ۹ مارس ۱۹۸۴ (۱۸ اسفندماه ۱۳۶۲) صنایع مس در لایحه خود درباره استماع مقدماتی مطالبی به ثبت رساند که خواهان آنرا ادعای جدیدی بابت تقلب ادعائی در اجرای قرارداد توسط خواهان می نامد.

۱۱۴ - بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان مقرر می دارد که:

خوانده می تواند در لایحه دفاعیه خود یا در مراحل بعدی جریان داورى، در صورتی که دیوان تشخیص دهد که با توجه به اوضاع و احوال، تاخیر موجه بوده است، ادعای متقابلی را مطرح نموده و یا به منظور پایاپای کردن دعاوی به ادعائی استناد نماید، مشروط بر آنکه چنین ادعای متقابل یا تهاثر ادعا طبق بیانیه [حل و فصل دعاوی] مجاز باشد...

خواهان صراحتاً پذیرفته است که ادعای متقابل اصلی در همان روز تسلیم دفاعیه خوانده ثبت شده است. بدین ترتیب، باوجوداینکه دفاعیه بعد از مهلتی که دیوان تعیین کرده

بود، به ثبت رسید، ادعای متقابل مطابق با مقررات بند ۳ ماده ۱۹ ثبت شده است.

۱۱۵ - لیکن باید توجه نمود که ماده ۲۰ قواعد دیوان به طرفین اجازه می دهد که دادخواست یا دفاعیه خود را در طول جریان داوری اصلاح یا تکمیل کنند، "مگر آنکه دیوان داوری اینگونه اصلاحات را به علت تاخیر در انجام آنها یا تبعیض نسبت به طرف دیگر، یا به علت هرگونه شرایط و اوضاع و احوال دیگر، مصلحت نداند". بدینترتیب، اصلاحیه دادخواست متقابل، مادام که دیوان در شرایط و اوضاع و احوال موجود، آنرا غیر مقتضی نداند، طبق مقررات دیوان مجاز است.

۱۱۶ - در پرونده حاضر دیوان معتقد است که آخرین اصلاحیه مورد استناد خواهان متعلق به تاریخ ۹ مارس ۱۹۸۴ (۱۸ اسفندماه ۱۳۶۲)، یعنی بیش از یکسال قبل از تاریخ استماع پرونده است. خواهان که "لایحه معارض با لایحه مورخ ۲۹ اوت ۱۹۸۴ (۷ شهریورماه ۱۳۶۳) خوانده" را در ۴ فوریه ۱۹۸۵ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۳) تسلیم نموده، فرصت کافی برای پاسخ به این موضوع داشته، و تبعیضی نسبت به وی صورت نگرفته است. در نتیجه و با توجه به محدودیت ماده ۲۰ دائر بر اینکه هرگونه اصلاحیه ادعای متقابل اصلی نمی تواند منجر به مستثنی شدن ادعای متقابل اصلاحی، از صلاحیت دیوان گردد، دیوان معتقد نیست که این اصلاحیه ها را باید به دلیل تاریخ ثبت آنها، غیرمجاز اعلام کند.

۱۱۷ - لیکن، دیوان متذکر می گردد که صنایع مس در لایحه مورخ ۴ فوریه ۱۹۸۵ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۳) خود، ادعای دیگری تحت عنوان ادعای "تہاتر" بابت حق بیمه و مالیات اقامه کرد. آناکاندا در جلسه استماع به این ادعا اعتراض کرده، اظهار داشت که ادعای مزبور به موقع ثبت نشده، و بنابراین قابل قبول نیست و چنین ادعائی در هر صورت، خارج از صلاحیت دیوان است. صنایع مس پاسخ داد که تاخیر در ثبت این ادعا به

علت عدم دسترسی به اسناد مربوط تا آخرین مرحله رسیدگی بوده و اعلام کرد که این ادعای "تهاتر" در حیطه صلاحیت دیوان است.

۱۱۸ - دیوان قبلا طی دستور مورخ ۷ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۷ خردادماه ۱۳۶۳) مقرر نموده که جلسه استماعی که قبلا تشکیل شده، به منظور رسیدگی به موضوعات صلاحیتی مربوط به ادعاهای متقابل صنایع مس بوده است. دیوان متذکر می شود که این ادعای متقابل صنایع مس تنها پس از ثبت آخرین لایحه مقرر آناکاندا اقامه شده و بنابراین آناکاندا نتوانسته به آن پاسخ دهد. دیوان معتقد است که خواندگان هیچ اوضاع و احوالی را که تاخیر ایشان را در ثبت ادعا موجه سازد، اثبات نکرده‌اند. بر اساس مراتب پیش گفته، دیوان اعلام می کند که این ادعای تهاتر بابت پرداخت مالیات و حق بیمه اجتماعی خارج از موعد به ثبت رسیده، و بنابراین قابل قبول نیست. براین اساس، دیوان وارد بررسی این موضوع نمی‌شود که آیا ادعای تهاتر مزبور در حیطه صلاحیت وی می باشد یا خیر.

چهار) اصل ممنوعیت انکار بعد از اقرار (استویل)

۱۱۹ - یکی دیگر از اظهارات خواهان اینست که "خواننده از اقامه ادعای متقابل خود ممنوع است، زیرا اعمال وی اثبات می کند که شکایتی ندارد". این استدلال حتی از استدلال قبلی نیز کمتر به موضوع صلاحیت دیوان ارتباط دارد و تنها مسئله مجاز بودن ادعای متقابل را مطرح می کند. مضافاً این استدلال، طبق محتوای خود، به اجرای قرارداد کمکهای فنی مربوط می شود. بدین ترتیب، بررسی این استدلال از ماهیت ادعای متقابل غیرقابل تفکیک است و بنابراین به ماهیت منضم می گردد.

پنج) سایر ایرادات مطروح

۱۲۰ - به همان دلایلی که در قسمت اخیر مورد استناد واقع شد، دیوان همچنین سایر استدلالات مطروح توسط آناکاندا در رابطه با موضوع صلاحیت را که عملاً به هدف ادعای متقابل و رابطه آن با موضوع ادعا یا شرایط شکلی رسیدگی دیوان به ادعاهای متقابل مربوط می شود، به ماهیت منضم می کند. ولی دیوان به عنوان آخرین موضوع، به استدلالات مطروح درباره موضوع قانون حاکم بر قرارداد کمکهای فنی می پردازد.

ج - قانون قابل اعمال

۱۲۱ - مساله قانون حاکم بر قرارداد کمکهای فنی در پرونده حاضر، با توجه به اظهارات طرفین حائز اهمیت خاص است، به ویژه در آنجائی که به اعتبار، حدود کاربرد و اعمال محدودیت قراردادی وسایل دادخواهی مانند آنچه که در ماده ۹ قرارداد کمکهای فنی دیده می شود، مربوط می گردد.

یک) اظهارات آناکاندا - ایران

۱۲۲ - خواهان در دفاعیه خود در برابر ادعاهای متقابل اظهار می دارد که مفاد صریح قرارداد کمکهای فنی مندرج در ماده ۹ قید می کند که آناکاندا را نمی توان بابت مبالغ زاید بر مبالغ مصرح در این ماده در برابر صنایع مس مسئول دانست. خواهان همچنین استدلال می کند که عدم درج هرگونه شرطی در قرارداد کمک های فنی راجع به حاکمیت قوانین داخلی هر کشوری نسبت به قرارداد مزبور، بدین معنی است که قصد طرفین چنین بوده که قرارداد کمکهای فنی را تابع قانون خاصی ننمایند. خواهان همچنین معتقد است که فقدان شرط انتخاب قانون را باید اینطور تعبیر کرد که طرفین قرارداد کمک های فنی "انتخاب منفی" کرده اند، بدین معنی که هریک از طرفین از پذیرفتن قوانین داخلی طرف دیگر امتناع کرده است.

۱۲۳ - بنابراین، خواهان نتیجه می گیرد که دیوان باید طبق اصل "لزوم وفای به میثاقها" (*pacta sunt servanda*)، مقررات صریح و لازم الاجرای قرارداد کمکهای فنی را بدون مراجعه به هیچ قانون خاصی اعمال نماید. آنطور که دیوان از اظهارات خواهان استنباط می کند، ظاهراً خواهان همچنین معتقد است که طبق اصل "لزوم وفای به میثاقها" قرارداد کمکهای فنی نه تنها به استناد مفاد آن، بلکه به استناد عرف تجاری نیز الزام آور است.

۱۲۴ - به نظر می رسد که خواهان همچنین معتقد است که تنها در وضعیتی که مفاد قرارداد مبهم و غیر روشن باشد، دیوان باید به منابع دیگری غیر از خود قرارداد متوسل شود و ضمناً منابع ذیربط در چنین وضعیتی، عرف تجاری و اصول کلی حقوق تجارت بین‌الملل است تا مفاد یک قانون قابل اعمال داخلی که طرفین، خود از انتخاب آن امتناع کرده‌اند.

دو) اظهارات صنایع مس

۱۲۵ - خواهانها می گویند که عدم قید انتخاب قانون در قرارداد را می توان چنین تفسیر کرد - و یا مقصود چنین بوده است - که طرفین نمی خواستند قرارداد کمکهای فنی را تابع هیچ نظام حقوقی داخلی کنند. صنایع مس این اظهارات را رد کرده، می گوید که با توجه به فقد هرگونه قید قراردادی معینی در مورد انتخاب قانون، دیوان به موجب مفاد ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی، باید قواعد ذیربط حقوق تجارت بین‌الملل راجع به انتخاب قانون را اعمال نماید. از جمله قواعد ذیربط حقوق تجارت بین‌الملل در مورد انتخاب قانون را می توان اصل "قانون محل وقوع عقد" (*lex loci contractus*)، اصل "قانون محل ایفای تعهد" (*lex loci solutionis*) و اصل "قانون محلی که مال در آن واقع است" (*lex rei sitae*) ذکر کرد. بر

اساس این اصول، صنایع مس استدلال می‌کند که قوانین ایران حاکم بر قرارداد کمکهای فنی می باشد.

۱۲۶ - صنایع مس همچنین استدلال می‌کند که منبع اولیه حقوق و تعهدات باید قوانینی باشد که یا در نظام حقوقی خاصی وجود دارد، یا در اصول کلی ناشی از یک چنین نظام حقوقی، نهفته است. صنایع مس همچنین اظهار می‌دارد که عرف بازرگانی می‌تواند تنها یک منبع ثانوی قوانین باشد و نه مفاد قرارداد و نه عرف بازرگانی نمی‌تواند فی‌نفسه به عنوان یک منبع حقوق و تعهدات جای قانون را بگیرد.

سه (یافته های دیوان

۱۲۷ - در مورد اظهارات خواهان درباره عدم قید انتخاب قانون در قرارداد کمکهای فنی، دیوان نخست معتقد است تا حدودی که این اظهارات تلویحا" به این معنی باشد که قانونی بعنوان قانون حاکم بر قرارداد کمکهای فنی وجود ندارد و خود قرارداد مزبور برای حل کلیه مسائل مربوط به اعمال قرارداد، از جمله مسائل مربوط به اعتبار قرارداد کافی است، این اظهارات ضد و نقیض است. آناکاندا در تأیید فرضیه خود بناچار به اصل 'لزوم وفای به میثاق‌ها' استناد می‌کند. این قاعده حقوقی یا مقدم بر قرارداد یا اولی نسبت به آن است، زیرا از این قاعده است که قرارداد حسب ادعا اعتبار خود را کسب می‌کند. بنابراین، دیوان باید ماهیت و حدود واقعی این قاعده و همچنین منشاء اعتبار آنرا بررسی کند.

۱۲۸ - اصل 'لزوم وفای به میثاق‌ها' در واقع صرفا" چکیده و خلاصه یکدسته قواعد

بسیار پیچیده است. تحت همین عنوان، ماده ۲۶ کنوانسیون وین (۱) راجع به حقوق معاهدات مقرر می دارد:

هر معاهده معتبری برای طرفین متعاقد لازم الاجرا بوده و باید با حسن نیت اجرا^۶ شود.

این شرط کلی در واقع به مقررات کنوانسیون وین اشاره می کند که تعیین می نماید، معاهده‌ای چه موقع و چگونه به اجرا^۶ در می آید، طرفین معاهده کدامند، اسباب ابطال، لغو یا تعلیق قابلیت اعمال معاهدات چیست، مفاد معاهده را چگونه باید تفسیر کرد و حسن نیت در اجرای معاهده به چه مفهوم است و غیره. این مقررات فی الواقع، تقریباً تمامی ۸۵ ماده کنوانسیون وین را تشکیل می دهند.

۱۲۹ - آنچه که اکنون درباره معاهدات گفته شد، درباره قراردادهای نیز صادق است. در نتیجه، استناد به اصل «لزوم وفای به میثاق‌ها» کافی نیست. چون حقوق قراردادهای یک ملت با حقوق قراردادهای ملت دیگر و حقوق داخلی حاکم بر قراردادهای با حقوق معاهدات بین المللی تفاوت دارند، باید همچنین معلوم کرد که این قاعده در کدام زمینه حقوقی مورد استناد واقع شده، بدین معنی که قاعده، به کدام نظام حقوقی قراردادی خاص مربوط می شود و در نتیجه، اصل «لزوم وفای به میثاق‌ها» ناظر بر کدام قواعد است.

۱۳۰ - دیوان با صنایع مس هم عقیده است که دیوان باید مقررات ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی را اعمال نماید. متن کامل این ماده بشرح زیر است:

(۱) U.N. Doc. A/CONF 39/27, 23 May 1969, که در ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰ (۷ بهمن ماه ۱۳۵۷) به اجرا^۶ درآمد و در Int'l Legal Mat'ls 8 سال ۱۹۶۹ به طبع رسیده است ("کنوانسیون وین").

هیئت داوری اتخاذ تصمیم درباره تمام موارد را براساس رعایت قانون انجام خواهد داد و مقررات حقوقی و اصول حقوق تجارت و حقوق بین الملل را به کار خواهد برد و در این مورد کاربردهای عرف بازرگانی، مفاد قرارداد و تغییرات اوضاع و احوال را در نظر خواهد گرفت.

این ماده کاربرد وسیعی دارد. موافقت نامه‌های الجزیره در مورد تعداد بسیاری از ادعاهای ناشی از قراردادهائی که ممکن است حاوی شروط متفاوتی درباره قانون حاکم باشند، قابل اعمال است. مهمتر اینکه، ماده ۵ نظام بدیعی درباره تعیین قانون حاکم ایجاد کرده است. برخلاف اظهارات صنایع مس، دیوان معتقد است که طبق این نظام دیوان ملزم نیست نظام حقوقی داخلی یا بین المللی خاصی را اعمال کند. بالعکس، دست دیوان در تعیین قانون حاکم در هر مورد کاملاً باز است. ولی این آزادی منوط به تشخیص و صلاحدید دیوان نیست، زیرا عواملی که باید دیوان را در تصمیماتش هدایت کنند، دقیقاً تعیین شده است.

۱۳۱ - شروط قرارداد، یکی از این عوامل را تشکیل می دهد، ولی باید توجه داشت که این عامل در میان عواملی که بر شمرده شده، اولین یا مهمترین عامل نمی باشد. دیوان البته ملزم است قواعد زیربط حاکم بر انتخاب قراردادی قانون را بطور جدی در نظر گیرد، ولی اگر دیوان تشخیص دهد که برای عدم اعمال آنها دلیل معتبری در دست دارد، در آنصورت مکلف به اعمال آنها نمی باشد.

۱۳۲ - در پرونده حاضر، قرارداد کمکهای فنی حاوی هیچ قاعده ای درباره انتخاب قانون نیست. به دلایلی که در فوق تشریح گردید، دیوان نمی تواند آنگونه که خواهان معتقد است، بر آن اساس نتیجه گیرد که خود قرارداد کمکهای فنی کلیه شرایط را دربرداشته و هیچ قانونی حاکم بر آن نخواهد بود. به همین نحو، دیوان نمی تواند طبق نظر خواننده نتیجه گیرد که قوانین ایران حاکم بر قرارداد است، زیرا محل عقد و اجرای

قرارداد ایران بوده است. در اغلب دعاوی قراردادی که در دیوان مطروح بوده، قراردادها عملاً در ایران منعقد و اجراء شده اند. اگر مقصود دولتین امضاء کننده موافقتنامه‌های الجزیره این بوده که در کلیه اینگونه موارد که قیدی مغایر آن در قرارداد وجود ندارد، قوانین ایران حاکم باشد، موافقت نامه‌های الجزیره بدون شک شروطی خاص در این باره می داشتند. ولی، همانطور که دیدیم ماده ۵ نظامی کاملاً متفاوت ایجاد کرده است.

۱۳۳ - در خاتمه، دیوان متذکر می گردد که محدودیتهای قراردادی وسایل دادخواهی، نظیر مفاد ماده ۹ قرارداد کمکهای فنی، اغلب در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی وجود دارند. بنابراین، دیوان در رسیدگی به بقیه موضوعات این پرونده، باید به عرف بازرگانی و همچنین اصول حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل مذکور در ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی توجه خاص بنماید. بنابراین، یکی از موضوعات حقوقی که طرفین باید در لوائح آتی خود مورد بررسی قرار دهند، عرف بازرگانی ذیربط از لحاظ محدودیتهای قراردادی وسایل دادخواهی، نظیر شرایط مندرج در ماده ۹ قرارداد کمکهای فنی است.

د - خلاصه نتیجه گیریها

۱۳۴ - در خاتمه، دیوان به موجب قراراعدادی حاضر، اظهارات خواهان را مبنی بر اینکه دیوان نمی تواند بدلیل محدودیتهای مقرر در قرارداد، به ادعاهای متقابل مطروح در این پرونده رسیدگی کند، مردود می شناسد. مضافاً و با توجه به نتیجه گیری های مربوط به ادعای "تهاتر" بابت حق بیمه اجتماعی و مالیات (رجوع شود به بندهای ۱۱۸-۱۱۷ فوق)، دیوان در اینجا ادعاهای خواهان را مبنی بر اینکه ادعاهای متقابل به دلیل تاخیر در ثبت آنها مردودند، رد می کند. راجع به سایر ایرادات مطروح، دیوان تصمیم گرفته است آنها را به ماهیت دعوی منضم کند و بنابراین در مراحل بعدی مورد

رسیدگی قرار خواهند گرفت. درباره موضوع قانون قابل اعمال بر قرارداد کمکهای فنی، که طبق اظهار طرفین، تاثیر خاصی در بررسی ادعاهای متقابل در پرونده حاضر دارد، دیوان در این مرحله نتیجه می گیرد که قوانین ایران حاکم بر قرارداد نبوده و دکتترین الزام آور بودن تعهد قاعده ای نیست که فی نفسه برای حل مابقی موضوعات مطروح در این پرونده کافی باشد. در پرونده حاضر، دیوان به موجب ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی ملزم است عرف بازرگانی ذیربط و همچنین اصول ذیربط حقوق تجارت و حقوق بین الملل را مدنظر قرار دهد.

ششم - بهره

۱۳۵ - آناکاندا- ایران مدعی است که بر مبنای ماده ۰۴-۷ قرارداد کمک های فنی که در زیر نقل می شود، استحقاق بهره نسبت به کلیه مبالغ مدعابه را دارد:

[صنایع مس] باید بهره سالانه ای معادل نرخ ممتاز مورد عمل توسط چیس - منهن بنک (نشنال اسوسی ایشن) یا جانشین آن، به اضافه ۲ درصد، بابت هر مبلغی که طبق این قرارداد لازم التادیه باشد، خواه بابت حق الزحمه و خواه بابت هزینه ها، از تاریخ سررسید چنین مبلغی تا تاریخ پرداخت کامل آن مبلغ، همراه با بهره متعلقه، به آناکاندا- ایران بپردازد.

۱۳۶ - آناکاندا- ایران محاسبات مشروحي در مورد مبالغ بهره مورد ادعا و همچنین اعلامیه ای از چیس منهن بنک حاوی فهرست "نرخ بهره ممتاز وامهای تجاری" رایج در دوره بین ۳ آوریل ۱۹۷۴ تا ۲۵ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۴ فروردین ماه ۱۳۵۳ تا ۴ تیرماه ۱۳۶۳) را ارائه نموده است. از محاسبات مزبور چنین بر می آید که آناکاندا- ایران مدعی است بهره باید به صورت مرکب و بطور ماهانه محاسبه شده، نرخ مورد عمل در هرماه باید متوسط ماهانه "نرخ بهره ممتازی باشد که در آن هنگام چیس منهن بنک از مشتریان دریافت می کرده"، به اضافه ۲ درصد. بدینسان، آناکاندا- ایران مدعی است

که استحقاق دارد مبلغ ۶،۸۳۶،۶۶۵/۳۸ دلار امریکا، معادل بهره متعلقه تا نوامبر ۱۹۸۱ و همچنین بر مبنای مبلغ ۱۸،۰۲۷،۴۳۳/۸۸ دلار امریکا از ۱۸ دسامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آذرماه ۱۳۶۰) تا تاریخ حکم حاضر، بهره مرکب دریافت دارد.

۱۳۷ - گرچه صنایع مس در بخشهایی از لویحش به استحقاق آناکاندا- ایران به دریافت بهره کلا" ایراد می گیرد، با اینحال نامبرده مشخصا" با اشاره به قوانین ایران، استدلال می کند که آناکاندا- ایران استحقاق دریافت بهره مرکب را نداشته و حداکثر استحقاق دارد ۱۲ درصد بهره ساده نسبت به هر مبلغی که قابل پرداخت و لازم التادیه تشخیص داده شود، دریافت نماید. صنایع مس مضافا" استدلال می نماید که هر نرخ بهره بالاتری در حکم رباخواری خواهد بود.

الف - بهره مرکب

۱۳۸ - همانطور که در صفحه ۳۱ (متن انگلیسی) حکم شماره ۱ - ۶۴ - ۱۸۰ (مورخ ۲۷ ژوئن ۶/۱۹۸۵ تیرماه ۱۳۶۴) صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز و دولت جمهوری اسلامی ایران، قید شده، دیوان داوری هیچگاه رای به پرداخت بهره مرکب نداده است. در یک مورد خاص مربوط به یک شرط ادعائی قراردادی راجع به بهره مرکب که بنظر دیوان مبهم بود، دیوان چنین اعلام نظر کرد:

معهدا، به نظر دیوان داوری دلایل خاصی وجود ندارد که از رویه‌های بین‌المللی که معمولا" صدور حکم بهره مرکب را مجاز نمی شناسند تخطی شود. همانطور که یکی از صاحب نظران متذکر شده، "در قلمرو موضوع خسارات در حقوق بین الملل ندرتا" قاعده‌ای وجود دارد که از قاعده غیرمجاز بودن بهره مرکب محرزتر باشد".

آر. جی. رینولدز توباوکامپنی و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره

۱۴۵-۳۵-۳ ص ۱۹ (ششم اوت ۱۵/۱۹۸۴ مردادماه ۱۳۶۳) که در آن از III M. (1943) Whiteman, Damages in International Law 1997 نقل قول شده است.

۱۳۹ - دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که دلایل متعددی راجع به این مطلب وجود دارد که چرا مراجع قضائی، خواه داخلی و خواه بین‌المللی، عموماً "رای به بهره مرکب نمی‌دهند."

۱۴۰ - قبل از هر چیز، اثر ذاتی و اساسی شرط قراردادی مربوط به بهره مرکب اینست که طرف دیگر را از قصور در اجرای تعهدات قراردادی باز دارد. چنین اثری، به ویژه در شرایط مناسبات مداوم قراردادی، حائز اهمیت است. معهذاً، چنانچه در مورد حدود و کیفیت تعهدات قراردادی اختلاف بروز کند، و چنانچه مثل پرونده حاضر، اختلاف منجر به فسخ قرارداد مورد بحث گردد، چنین منظوری منتفی است. ثانیاً، نتیجه ریاضی اجرای کامل شرایط قراردادی نظیر ماده ۷-۰۴، به ویژه با توجه به تاخیرهایی که هر رسیدگی قضائی در بر دارد، اینست که بهره لازم التادیه ممکن است از اصل مبلغ مورد حکم به مراتب بیشتر باشد. این مطلب به ویژه در رابطه با رسیدگیهای دیوان مصداق می‌یابد، زیرا کثرت تعداد پرونده هائی که بطور همزمان در دست رسیدگی است، موجب می‌شود که هریک از اطراف دعوی با تاخیرهای بیشتری مواجه شود. بنابراین، اجرای یک چنین قید قراردادی به نفع محکوم له بوده و فی الواقع متضمن سودی برای وی خواهد بود، و هیچگونه تناسبی با زیان احتمالی که وی ممکن است با در اختیار نداشتن طلبش متحملش شود، نخواهد داشت.

۱۴۱ - لازم به یادآوری است که در پرونده حاضر اجرای کامل ماده ۷-۰۴ به هیچ روی محدود به مبالغ مورد مطالبه آناکاندا- ایران نیست. آناکاندا- ایران، ماده ۷-۰۴ را چنین تفسیر می‌کند که بهره مرکب باید بطور ماهانه (بر مبنای متوسط ماهانه نرخهای

رایج بعلاوه ۲ درصد) محاسبه شود. این نحوه تفسیر کاملاً دلبخواه است، زیرا از ظاهر ماده ۷-۰۴ چنین بر می آید که می توان آناکاندا- ایران را مستحق بهره مرکب بر مبنای هفتگی یا حتی بر اساس روزانه نیز دانست. می توان با اطمینان فرض کرد که آناکاندا- ایران و صنایع مس هر قدر هم که دامنه تصور را بگسترانیم، هیچکدام قصد حصول چنین نتیجه‌ای را نداشته و یا فی الواقع راجع به آن توافق نکرده‌اند. دیوان نتیجه می‌گیرد که گرچه ماده ۷-۰۴ آنچنان مبهم نیست که اعمال چنین شیوه‌ای را غیرممکن سازد، به‌صورت، از آنجا که اعمال چنین شیوه‌ای متضمن نتایج غیرمعقولی خواهد بود، قید مزبور مبهم است.

۱۴۲ - با در نظر گرفتن عوامل یاد شده، دیوان نتیجه می‌گیرد که در مجموع، حکم به پرداخت بهره مرکب را در پرونده حاضر باید خارج از حدود قصد مشترک احتمالی طرفین دانست و لذا، بهره مرکب بموجب ماده ۷-۰۴ قرارداد، مردود شناخته می‌شود.

ب) حدود قابلیت اعمال ماده ۷-۰۴ قرارداد کمک های فنی

۱۴۳ - دیوان داوری خاطر نشان می‌سازد که ماده ۷-۰۴ ظاهراً "دامنه شمول محدودی دارد. ماده مزبور صراحتاً" مقرر می‌دارد که بهره مورد توافق در قرارداد "نسبت به هر مبلغی که به موجب (قرارداد کمک فنی) خواه بابت حق الزحمه و خواه بابت هزینه‌ها به آناکاندا- ایران لازم‌التادیه باشد"، محاسبه خواهد شد. (تاکید اضافه شده است). شرط مزبور خالی از گونه‌ای ابهام نیست. قرارداد کمک های فنی حاوی شرطی که "حق الزحمه" یا "هزینه" را تعریف کند، نیست. معذک، برای دیوان روشن است که به هر صورت، و با توجه به سایر شرایط قرارداد، اصطلاح "حق الزحمه" به "حق الزحمه خدمات فنی" و اصطلاح "هزینه" به هزینه‌هایی اشاره دارد که قرارداد کمک های فنی آناکاندا- ایران را مجاز به استرداد آن دانسته است. در نتیجه، دیوان معتقد است که ماده

۷-۰۴ شامل مبالغی می شود که در بخش چهارم - ج - سه (الف - ج) بالا به نفع آناکاندا- ایران حکم داده شده است. با توجه به نتیجه گیری دیوان راجع به ادعای آناکاندا- ایران در مورد هزینه های فسخ، دیوان لزومی به اتخاذتصمیم راجع به این مطلب نمی بیند که آیا ماده ۷-۰۴ ناظر بر چنین هزینه‌هایی هست، یا نه.

۱۴۴ - معهذاً، مساله ای که باید روشن شود این است که آیا ماده ۷-۰۴ ناظر بر مبالغ قابل پرداخت به آناکاندا- ایران بموجب ماده ۹-۰۵ (سه) یعنی، ناظر بر "مبلغی (به دلار امریکا) معادل مجموع حق الزحمه های پرداخت شده یا لازم التادیه (به موجب قرارداد کمک فنی) در طول ۱۸ ماه مدت زمان قبل از تاریخ فسخ" نیز هست یا نه، زیرا مبلغ مزبور را علی الظاهر نه می توان تحت عنوان "حق الزحمه" قرار داد و نه تحت عنوان "هزینه". با بررسی قرارداد و باتوجه به چهارچوب و متنی که شرط مزبور در آن ظاهر گردیده و نیز پس از اعمال قواعد کلی تفسیر قراردادهای دیوان نتیجه می گیرد که در مجموع، ماده ۷-۰۴ ناظر بر مبالغ قابل پرداخت به موجب ماده ۹-۰۵ (سه) نمی‌باشد. دیوان معتقد است که گر چه طرفین ممکن است ظاهراً" به منظور تضمین ادامه اجرای قرارداد، بین خود توافق کرده باشند نسبت به طرفی که در مدت اعتبار قرارداد مرتکب تخلف می‌شود، مجازات های قراردادی وضع کنند، با اینحال این دلایل در وضعیتی که روابط قراردادی خاتمه یافته باشد، صدق نمی کند. مضافاً می توان استدلال کرد که پرداخت مربوطه، به خودی خود، نوعی خسارت قراردادی بوده و به احتمال قریب به یقین، به ترتیبی محاسبه شده که تاخیرهای پرداخت را که طرفین می توانستند منطقیاً" پیش بینی نمایند، در بر گیرد.

ج) بهره به موجب ماده ۷-۰۴

۱۴۵ - راجع به نرخهای بهره قابل اعمال و نیز بر مبنای نتیجه گیریهای دیوان در مورد

قانون حاکم که در بالا شرح آن رفت، دیوان بدواً استدلال صنایع مس را راجع به قابل اعمال بودن قوانین ایران بطور اعم، و مقررات مربوط به رباخواری را بطور اخص، مردود می‌شمارد. مضافاً بنظر دیوان این نتیجه‌گیری که نرخ بهره بالاتر از ۱۲ درصد در حکم رباخواری است، چه در عرف تجاری و چه از سایر جهات مورد تأیید نمی‌باشد.

۱۴۶ - بنابراین، در محاسبه بهره لازم التادیه به آناکاندا- ایران بابت کلیه مبالغ محکوم به، به استثنای مبالغ مورد حکم طبق ماده ۵-۹ (سه)، دیوان باید ماده ۴-۷ قرارداد کمک‌های فنی را اعمال کند. شرط مزبور متضمن اعمال نرخ بهره سالانه‌ای است معادل "نرخ بهره ممتاز ۰۰۰ مورد عمل توسط چیس - منهتن بنک (نشال اسو سی ایشن) یا جانشین وی، به اضافه ۲ درصد".

۱۴۷ - آناکاندا- ایران اعلامیه‌ای از چیس منهتن بنک به دیوان ارائه داده که حاوی نرخها و تاریخ تغییرات "نرخهای ممتاز وامهای تجاری" تا تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۴ (۴ تیرماه ۱۳۶۳) می‌باشد.

۱۴۸ - به منظور تسهیل کار، و به موجب ماده ۳-۶، دیوان مقرر می‌دارد که بهره بطورکلی از اولین روز نزدیکترین ماه تقویمی به ۲۰ روز بعد از تاریخ صورتحساب، قابل پرداخت است. دیوان همچنین مقرر می‌دارد که از تاریخ سررسید مبالغ مورد حکم، لغایت ۳۱ مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸) بهره مقرر در قرارداد، بر متوسط ماهانه نرخ بهره قابل اعمال، مبتنی خواهد بود، باضافه ۲ درصد. دیوان چنین بهره‌ای را در مورد کلیه مبالغ مورد حکم که مشمول ماده ۴-۷ هستند، به استثنای هزینه‌های متحمل از آوریل ۱۹۷۹ لغایت مه ۱۹۷۹ که مورد حکم واقع شده، محاسبه نموده است (زیرا به این مبالغ تا پس از ۳۱ مه ۱۹۷۹ بهره‌ای تعلق نمی‌گیرد). طبق محاسبه دیوان، مبلغ بهره مورد

حکم کلا" ۲۰/۱۳۹،۲۲۷ دلار امریکاست.

۱۴۹ - دیوان مقرر می دارد که نرخ بهره قابل اعمال نسبت به کلیه مبالغ قابل پرداخت طبق ماده ۹-۰۵ (یک) از اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خردادماه ۱۳۵۸)، (به استثنای مبلغ ۸۸،۶۶۹/۵۷ دلار امریکا - رجوع شود به پاراگراف ۱۵۰ زیر) ، متوسط محاسبه شده نرخ بهره بانکی رایج از اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خردادماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخ ختم نهائی پرونده حاضر خواهد بود، به اضافه ۲ درصد.

۱۵۰ - در مورد هزینه های متحمل از آوریل ۱۹۷۹ لغایت مه ۱۹۷۹ که مورد حکم واقع شده، یعنی مبلغ ۸۸،۶۶۹/۵۷ دلار امریکا (رجوع شود به پاراگرافهای ۶۸ تا ۷۲ بالا)، دیوان مقرر می دارد که بهره باید فقط از ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴ (۲۶ شهریورماه ۱۳۶۳)، یعنی از تاریخی محاسبه شود که طبق اظهار صنایع مس، اسناد و مدارک لازم جهت بررسی این هزینه ها به وی تسلیم شده است. دیوان مضافاً مقرر می دارد که نرخ بهره قابل اعمال نسبت به این مبلغ، متوسط محاسبه شده نرخ بهره بانکی رایج از ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴ (۲۶ شهریورماه ۱۳۶۳) لغایت تاریخ ختم نهائی پرونده حاضر خواهد بود، به اضافه ۲ درصد.

د - بهره غیر قراردادی

۱۵۱ - گرچه دیوان ادعای آناکاندا- ایران را نسبت به بهره قراردادی مقرر نسبت به مبالغ لازم التادیه به آناکاندا- ایران طبق ماده ۹-۰۵ (سه) رد کرده، با اینحال نظر دیوان اینست که آناکاندا- ایران طبق رویه معمول دیوان، استحقاق دریافت بهره این مبلغ را دارد. با اعمال اصول مشروح در حکم شماره ۳-۸۹-۲۲۵ مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۶ (دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) صادره در پرونده مک کالو اند کامپنی اینک و وزارت

بیست و تلگراف و تلفن صفحات ۱۰۳ - ۹۸ (متن انگلیسی)، دیوان مقرر می‌دارد که از اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خردادماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخ فیصله قطعی پرونده حاضر نسبت به این مبلغ به خواهان بهره ساده پرداخت شود و به نظر دیوان نرخ منصفانه بهره ۱۰ درصد در سال است.

ه - قطعی بودن بهره

۱۵۲ - با توجه به اعدادی بودن قرار حاضر (رجوع شود به پاراگراف ۸۶ بالا) دیوان صدور رای نهائی پرداخت بهره به نفع آناکاندا- ایران را به تاریخی موکول می‌کند که پرونده حاضر بطور قطعی فیصله یافته باشد.

هفتم - کارشناسی

۱۵۳ - دیوان در یکی از مراحل بعدی رسیدگی، راجع به درخواست نصب کارشناس تصمیم خواهد گرفت.

هشتم - هزینه ها

۱۵۴ - دیوان در یکی از مراحل بعدی رسیدگی، به ادعاهای خسارت بابت هزینه های متحمل تصمیم خواهد گرفت.

نهم - رسیدگیهای آتی

۱۵۵ - دیوان طی دستور جداگانه ای راجع به ادامه رسیدگی این پرونده تصمیم خواهد

گرفت.

دهم - حکم

۱۵۶ - بنا به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

(الف) شرکت ملی صنایع مس ایران متعهد است مبالغ زیر را به آناکاندا- ایران، اینک. بپردازد:

یک) مبلغ چهار میلیون و دویست و بیست و هفت هزار و ششصد و چهل و نه دلار و پنجاه سنت (۴،۲۲۷،۶۴۹/۵۰ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده سالانه (برمبنای ۳۶۵ روز) به نرخ معادل متوسط محاسبه شده نرخ ممتاز مورد عمل توسط چیس منهن بنک (نشال اسو سی ایشن) و یا جانشین آن، از تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خردادماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخ ختم نهائی پرونده حاضر، با اضافه دو درصد (۲%)، از تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خردادماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخ ختم پرونده حاضر؛

دو) مبلغ هشتاد و هشت هزار و ششصد و شصت و نه دلار و پنجاه و هفت سنت (۸۸،۶۶۹/۵۷ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده سالانه (برمبنای ۳۶۵ روز) به نرخ معادل متوسط محاسبه شده نرخ ممتاز مورد عمل توسط چیس منهن بنک (نشال اسو سی ایشن) و یا جانشین آن، از تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴ (۲۶ شهریورماه ۱۳۶۳) لغایت تاریخ ختم نهائی پرونده حاضر به

اضافه دو درصد (۲٪)، از تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۴ (۲۶ شهریورماه ۱۳۶۳) لغایت تاریخ ختم نهائی پرونده حاضر؛

(سه) مبلغ پنج میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و چهار دلار (۵،۹۹۹،۹۹۴ دلار آمریکا) به اضافه بهره ساده سالانه به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز)، از تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۹ (۱۱ خردادماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخ ختم نهائی پرونده حاضر؛

(چهار) مبلغ دویست و بیست و هفت هزار و یکصد و سی و نه دلار آمریکا و بیست سنت (۲۲۷،۱۳۹/۲۰ دلار آمریکا) بابت بهره متعلقه تا تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۹ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۸).

(ب) دیوان ایفای هرگونه تعهد پرداخت را از جانب شرکت صنایع ملی مس ایران به تاریخی موکول می کند که پرونده حاضر بطور نهائی فیصله یافته باشد.

(ج) دیوان بر این نظر است که قابلیت طرح ادعاهای متقابل مطروح در پرونده حاضر، طبق شرایط بیانیه حل و فصل دعاوی و صرفنظر از وجود شرایط قراردادی ناظر بر تحدید حق طرفین در طرح دعاوی متقابل، تعیین می شود.

(د) دیوان بر این نظر است که هیچ قسمت از ادعاهای متقابل مطروح در این پرونده را نمی توان به دلیل تجاوز از مبلغ دعاوی مطروحه در این پرونده، غیر قابل قبول محسوب نمود.

(ه) دیوان اعلام می دارد که ادعای "تهاتر" بابت حق بیمه اجتماعی و مالیاتها با تاخیر به

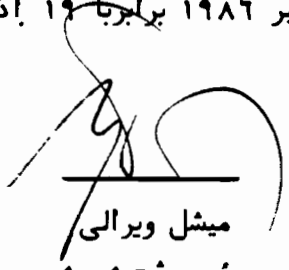
ثبت رسیده و لذا غیر قابل قبول است.

(و) به استثنای ادعای متقابل مذکور در پاراگراف (هـ) بالا، دیوان بر این نظر است که بقیه ادعاهای متقابل پرونده حاضر بموقع ثبت شده اند.


(ز) دیوان رسیدگی به کلیه ایرادات مطروح راجع به قابل طرح بودن ادعاهای متقابل را به رسیدگی ماهوی ادعاهای متقابل مزبور منضم می نماید.

(ح) دیوان بر این نظر است که با توجه به فقدان هرگونه شرط انتخاب قانون در موافقتنامه کمک فنی، دیوان باید در رسیدگی به مابقی موضوعات این پرونده، عرف تجاری مربوط را ملاک عمل قرار داده، اصول حقوق تجارت و حقوق بین الملل را در نظر گیرد و ضمناً دیوان ملزم به اعمال نظام حقوقی کشور مشخصی، نظیر قوانین ایران نمی باشد.

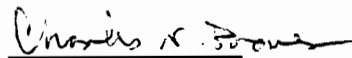
لاسه، به تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۶ برابر با ۱۹ آذرماه ۱۳۶۵


میشل ویرالی
رئیس شعبه سه

بنا م خدا


پرویز انصاری معین

موافق در بخشی از قرار و
مخالف در بخش دیگر،
رجوع شود به نظر جداگانه.



چارلز آن. براونر
رجوع شود به نظر جداگانه